



انترناسیونال ۳۹۸

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۲۹ آپریل ۲۰۱۱

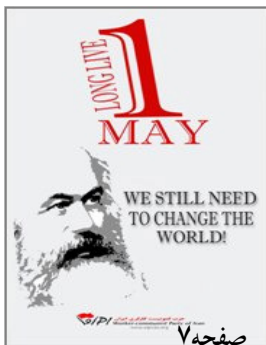
www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: کاظم نیکخواه



یک جهان، یک جنبش!

"یک جهان، یک جنبش" امسال
طنینی دیگر و رنگ و بویی تازه
دارد.

در یکسال گذشته ما شاهد
مبارزاتی در فرانسه، انگلیس،
آمریکا، یونان و همچنین زنجیره ای
از انقلابات در مصر، تونس و کل
منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه

است که میدانستیم "یک جنبش
و یک جهان" هستیم. میدانستیم
که جهان را بر دوش ما میسازند
و هرچه آنرا بهتر می سازیم سهم
ما از آن کمتر میشود. میدانستیم
و نسل اندر نسل برای تغییر این جهان وارونه
جنگیده بودیم. با اینهمه شعار

"یک جهان، یک جنبش"! این تم
راهپیمایی کارگران ونکوور در
اول ماه مه امسال است. ولی
مگر مضمون واقعی اجتماعات
اول ماه در استکهلم، مسکو،
لندن، پاریس، توکیو، پکن،
قاهره، تهران و چهارگوشه جهان
جز این است؟ نزدیک دو قرن

جنگ تازه جناح بندی تازه،

موضوع کهنه



کاظم نیکخواه

بازهم یک جنگ و کشاکش دیگر در بالای
حکومت اسلامی دارد زبانه میکشد. هنوز
کشاکش با جناح کروی و موسوی و رفسنجانی
از داغی نیفتاده، جنگ درون جناح موسوم به
"اصولگرایان" شروع شده و اخیرا به اوج جدی ای
رسیده است. آنهم میان دو نفری که در راس کل
حکومت قرار دارند و در یک سال اخیر دست در
دست هم علیه جناح "اصلاح طلب" و کل جامعه
شمشیر کشیده اند یعنی خامنه ای و احمدی
نژاد. و این یک ضربه بسیار مهلک به کل
حکومت اسلامی است. خامنه ای بارها به
رسانه ها و دست اندرکاران حکومت دستور داده
و تحکم کرده است که "رسانه ها نبود آرامش و
دودستگی را القا نکنند". در جلسات هرچه می
خواهید بگویند اما به جامعه نکشاند! اما کار
از این حرفها گذشته است. این روزها همه کس از
دعوی خامنه ای و احمدی نژاد حرف میزند و دو
طرف دارند مقابل هم آشکارا صف آرایی
میکند. روز چهارشنبه یعنی دیروز جناح
اصولگرایان مجلس جلسه ویژه ای را همزمان با
جلسه مجلس برگزار کرده بود تا در مورد
اختلافات و وضعیت دولت بحث کنند همه
نمایندگان اصولگرا یکی یکی جلسه رسمی
مجلس را ترک کردند تا در بحثهای داغ آن جلسه
فوق العاده و غیررسمی شرکت کنند و رئیس
مجلس مجبور شد نشست مجلس را تعطیل
کند و خود او نیز به جلسه فوق العاده رفت! این
نوع نشستها و پیچ و پیچ ها و شایعات و بحث و
جدلها این روزها به وفور در دلانهای جمهوری
اسلامی جریان دارد! در نهادهای مختلف
حکومتی آنها که از خامنه ای پشتیبانی
میکند، خود را ملزم می بینند که با او اعلام

صفحه ۲

قطعه نامه هفت شکل کارگری

قطعه نامه هفت شکل کارگری به مناسب اول مه پرچم روشنی
برای مبارزه و اتحاد

شهرلا دانشفر
اول مه روز جهانی کارگر فرا
میرسد و هفت شکل کارگری در
اقدامی متحد و ارزشمند قطعه نامه
ای مشترک به مناسبت این روز و در

صفحه ۳

انقلاب یقه آبی ها و هراس رژیم

"انقلاب یقه آبی ها" عنوان
گزارشی در نشریه آمریکایی فارین
پالیسی است. موضوعی که قلم زنان
جمهوری اسلامی را نیز به عکس
العمل واداشت. از جمله در ۶

صفحه ۷

انقلاب و ضد انقلاب در سوریه!

محمد شکوهی، صفحه ۷

بازتاب هفته

ماهواره ها و دهن کجی به قانون اسلامی
جرنوبیل و فوکوشیما، فاجعه برای چندین نسل
توحش اسلامی و رها کردن دو بیمار در بیابان
بهرز مهرآبادی

احمد خاتمی: برای حل مسئله حجاب باید خون
ریخته شود!
شهرلا دانشفر

صفحات ۵-۴

نوبت بشار اسد!

مصطفی صابر

پرشورترین تظاهرات ها بوده
اینطور است. فقط کشتار
بلا تیعیش مردم توسط تک
تیراندازها و افراد "گارد جمهوری"
و یا حضور گسترده تانکها در
خیابانها نیست، بلکه قطع آب و

صفحه ۶

قدرت اعتصاب کارگران

یاشار سهندی

رفسنجانی باشد اما هست.
ایشان در دیدار با خانه کارگریها

شاید بعید بنماید جمله ای که
یادآور خواهم شد از هاشمی

صفحه ۱۱

صفحات دیگر

فراخوان به طبقه کارگر

وقت اعتصابات بزرگ و سراسری فرار سیده است

صفحه ۱۲

پیروزی انقلاب به سبک جبهه مشارکت! هادی وقفی

صفحه ۸

علیه محاکمه کارگران سندیکای واحد پیاخیزید!

نامه کمیته همبستگی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران

به سازمانهای کارگری در سراسر جهان

آزادی غلامرضا غلامحسینی را تبریک میگویم

صفحه ۹

۲۸ آوریل (۸ اردیبهشت) روز جهانی همدردی با ...

صفحه ۱۰

عکس هایی از تظاهرات های (۲۲ آپریل)

صفحه ۱۱

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر!

جنگ تازه جناح بندی تازه، ...

بیعت کنند. آیت الله ها و آخوندهای رده های مختلف از خالی کردن زیر پای روحانیت شکوه میکنند و هشدار میدهند. فرماندهان سپاه پاسداران علیه مخالفت با ولی فقیه هشدار میدهند. در مجلس اسلامی گروههایی از نمایندگان طرح استیضاح احمدی نژاد را مزمزه می نمایند. صفار هرنی از فتنه جدیدی که از فتنه ۸۸ خطرناکتر است حرف میزنند. سفر از قبل برنامه ریزی شده هیئت دولت به قم لغو میشود. خامنه ای حتی آنجا که میخواهد از احمدی نژاد استمالت کند لازم میداند بگوید که وقتی پای نظام در میان باشد تا پای جان ایستاده است. البته هنوز هواداران خامنه ای غالباً و نه همه مواظب هستند که خط فاصلی (گرچه بسیار نازک) بین احمدی نژاد و اطرافیان و بویژه معاون اول او مشایی بکشند و حساب او را از بقیه جدا کنند به این امید که این بار کار به جاهای باریک نکشد. اما فی الحال کار به جاهای باریک کشیده است. طرفداران احمدی نژاد گرچه این روزها تاحدی ساکتند اما بعضاً جوابهای تند و تهدید آمیزی به طرف مقابل داده اند. اوج گیری تازه اختلافات از ابقای وزیر اطلاعات حیدر مصلحی بعد از قبول استعفا از او از جانب احمدی نژاد شروع شد. در واقع خامنه ای این بار مستقیماً تصمیم احمدی نژاد را که مصلحی را کنار گذاشته بود لغو کرد و جناب وزیر را به سرکار خود بازگرداند. خامنه ای مستقیماً نامه اش را به مصلحی نوشت و گفت به کارت ادامه بده. اما احمد توکل از اصولگرایان مخالف احمدی نژاد این روزها فاش کرد که قبل از این نامه، خامنه ای مستقیماً به احمدی نژاد نامه نوشته و با کنار گذاشتن مصلحی مخالفت کرده است ولی جوابی نگرفته است. این نشان میدهد که مساله این کشاکش بسیار جدی است. طی یک هفته گذشته و پس از آنکه وزیر اطلاعات به سرکار خود بازگشت احمدی نژاد دیگر در هیئت دولت حاضر نشده است و خبری از او نیست. یکی از سایتهای وابسته به جمهوری اسلامی در خارج کشور خبری را منتشر کرده بود که احمدی نژاد استعفا داده است اما هنوز این خبر از جای دیگری تایید نشده است. در روزهای اخیر جنب و جوش قابل توجهی از جانب طرفداران احمدی نژاد

از صفحه ۱

مشاهده نمیشود. اما سایت آنتین نیوز" که يك سایت طرفدار احمدی نژاد است فعالانه دارد به حملات پاسخ میدهد و امروز نامه ای را تحت نام "گروهی از روزنامه نگاران" منتشر کرده که عنوانش این است "احمدی نژاد را نرنجانید به خدا سوگند وارد میدان میشویم" و با لحن بسیار تند و به مخالفین احمدی نژاد حمله کرده و حتی آنها را تهدید نموده است از جمله میگوید: "به این گروه فحاش اخطار می کنیم که چنانچه بر این رویه زشت و هتاکانه و چاله میدانی (علیه احمدی نژاد) اصرار بورزند، بزودی طوفان این هتاکی ها دامن آنان را خواهد گرفت و به سرنوشتی دچار خواهند شد که سایه عبرت خود، همپالگی ها و آمرین شان شود."

سراسر این نوشته بر همین روال است. و این نوع تعرض و این لحن ظاهراً مقداری خارج از متن بنظر میرسد اما وقتی کل کشاکشهای دو سه ماه اخیر را کسی مرور کند متوجه میشود که خود نزاع به همین حد داغ و تند است.

موضوع چیست؟

موضوع نزاع، در واقع و در اساس همان موضوعات قدیمی است. یعنی بحث بر سر نحوه کاربرد قوانین اسلامی، حجاب، اقتصاد، فرهنگ، نقش روحانیون، سیاست خارجی، استقلال دولت، رابطه دولت و مجلس و نقش ولی فقیه و امثال اینها. در واقع جدال بر سر کل جمهوری اسلامی است. علت جنگ هم اساساً همان علت قدیمی است یعنی بن بست اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی، و خشم و نفرت فزاینده مردم از حکومت و فضای سرنوشتی طلبی که از همیشه حادثتر و گسترده تر است. اگر یکی دو سال اخیر را بیاد بیاوریم متوجه میشویم که اختلافات از قبل از نمایش انتخاباتی و خیزش سال ۸۸ در جاهایی بروز کرده بود. در مواردی مثل مساله حجاب و امر بمعروف و شرک زنیان در استادیومهای ورزشی و امثال اینها احمدی نژاد تلاش کرد کمی متفاوت از روحانیت حرف بزند و در مقابل فضای ضد حجاب در جامعه، تصویر متفاوتی از خود ارائه کند که از قضا به تصویر "اصلاح طلبان" حکومتی که دشمن خونی او بوده اند نزدیکتر بود و از جانب امام جمعه ها به او چند بار هشدار داده شد. بعد از آن در مورد

طرح یارانه ها اختلافاتی جدی میان "اصولگرایان" بروز کرد و مخالفین احمدی نژاد این طرح را خطرناک و باعث خیزشهای اجتماعی تلقی میکردند و طرفداران دولت احمدی نژاد، این طرح را تنها راه برون رفت از معضلات اقتصادی توضیح میدادند. در این زمینه شکاف جدی ای میان رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه (برادران لاریجانی) و توکل ای از یک طرف، و باند احمدی نژاد ایجاد شد. مساله "اسلام ایرانی" و تاکید بر ایرانیست و مراسم جشن نوروز نیز یکی از مسائل حاد و نسبتاً تازه است که جنجال جدی ای را در بالای حکومت دامن زد و بالاخره هم جشن نوروز در شیراز که قرار بود با شرکت سفرای کشورهای مسلمان امسال برای اولین بار برگزار شود، به نحو خرنده ای لغو شد و تجمعی در تهران تحت عنوان بزرگداشت نوروز برگزار گردید. پشت اینها البته باندبازی، اینکه احمدی نژاد طرفداران خود را در مواضع حساس نصب کرده است، دزدیهای طرفین، رانت دهی از سرمایه های دولتی به خودیها از طرف احمدی نژاد و امثال اینها یک پای جدی کشاکشهاست. یکی از موضوعات این اختلافات شخص مشائی بوده است که خود انتخابش بعنوان معاون احمدی نژاد نیز موضوع یکی از تنش های تند در بالای حکومت بود و با اینکه انتخاب او بعنوان معاون اول رئیس جمهوری حتی با مخالفت مستقیم خامنه ای روبرو شد، اما او در این پست باقی ماند و خامنه ای ناچار شد علیرغم اعتراضات گسترده امام جمعه ها و آخوندها و مجلسی ها، سکوت کند. کشاکش اخیر در مورد کنار گذاشتن مصلحی نیز گفته میشود که به مساله مشایی و باند او مستقیماً مربوط میشود.

در همه آن موارد قبلی که ابعاد و شمار آنها بسیار بیش از این است که اشاره شد، خامنه ای هر جا که لازم دید، بدون اینکه از موضع احمدی نژاد مستقیماً حمایت کند به کمک او آمد و سعی کرد بقیه را آرام کند تا از "دولت خدمتگزار در این مقاطع حساس" پشتیبانی کنند. حتی همین ماه پیش چند هفته ای در قم اتراف کرد تا به شکایتهای آخوندهای حکومتی از دولت و احمدی نژاد گوش کند و به نحوی آنها را آرام کند و آرامش خاطر بدهد که خطری نیست. اما اکنون مساله بیخ دارتر شده است و دیگر بسادگی قابل ترمیم یا

لاپوشانی نیست. مهدوی کنی از این سخن میگوید که احمدی نژاد روحانیت را میخواهد کنار بزند.

نزاعی بسیار حیاتی

جنگ و کشاکش کنونی که بلافاصله پس از خیزش انقلابی مردم در سال ۸۸ و ادامه صف بندیهای مرتبط با آن فرا میرسد برای جمهوری اسلامی بسیار تعیین کننده و مهملک است. جامعه هنوز در فضای بعد از انقلاب ۸۸ و سرکوبها بسر میبرد و بشدت خشمگین و معترض است و از هر دو سوی این کشاکش شدت نفرت دارد. در این فضا جمهوری اسلامی که در برابر جامعه ملت به تلاش میکرد خود را یک دست نشان دهد، از راس آن شکاف برداشته است و این برای مردم بسیار خوشحال کننده است. اینکه نزاعهای کنونی با فاصله کمی از جنگ و کشاکش های قبلی جلو می آید باعث میشود که بر صفوف حکومت تاثیرات خرد کننده از بالا تا پایین را در برابر مردم در حالت دفاعی قرار میدهد. این کشاکش تا همینجا این فضا را دامن زده است که گویی حکومت اسلامی جمع بشو نیست. مدام از نزاع به نزاع حرکت میکند. حتی دیگر تعیین مرز جناح بندی ها هم ساده نیست. يك درهم ریختگی تمام عیار است. دست اندرکاران و حتی بدنه جمهوری اسلامی با شروع این جنگ احساس میکنند که فرصت نفس کشیدن ندارند. دوباره باید میان دوست و دشمن یارگیریهای تازه ای بکنند. آنها که تا دیروز یار غار امام بودند، امروز به منافق و فتنه جو و خائن و هتاک تبدیل شده اند. دوباره باید دست قدرتهای استکباری را در آستین افراد بالایی حکومت نشان دهند و این کل تبلیغات حکومتی ها را حتی برای صفوف خودشان هم مشمئز کننده مینماید. سایتهای حکومتی این روزها بدرجات زیادی این فضا را منعکس میکند و موعظه و نصیحت و خط کشی و هشدارها از همیشه بیشتر است. و وحشتشان را از این که بگیرد و جامعه به انقلابی میلیونی وارد شود کاملاً میشود احساس کرد. ما بارها گفته ایم که بر خلاف تبلیغات و القانات برخی جریانات و از جمله خود جناحهای حکومتی، این اختلافات درون حکومتی نیست که منشاء اوجگیری مبارزات مردم است بلکه برعکس این فضای سرنوشتی

طلبی و اعتراضات کارگران و مردم است که بالایی ها را بجان هم می اندازد. امروز این واقعیت را روشن تر از همیشه میتوان دید. با مرور کل این کشاکش ها بروشنی میشود بن بست و بحران جمهوری اسلامی را مشاهده کرد. این حکومت از نظر سیاسی و اقتصادی در وضعیتی است که حتی کسی مثل احمدی نژاد که در میان مردم بعنوان نوچه و ملیجک خامنه ای لقب گرفته است و هاله نور را دور سر خود می بیند و کل ثروتها و پولها و سرمایه ها را متعلق به امام زمان میداند و خلاصه همانگونه که قبلاً در جایی گفتیم از هر آخوندی آخوندتر است، وقتی مجبور میشود خارج از اوهام و خیالاتش به حل معضلات حکومت فکر کند به این نتیجه میرساند که باید کمی از فشار قوانین اسلامی کم کند و ژست و فضای ظاهراً مدرن تری به خود بگیرد و روحانیون را از دخالت هرروزه در امور دولتی برحذر دارد تا بلکه ماشین به گل نشسته دولتی تکانی بخورد. تا بلکه جامعه کمی آرام بگیرد. تا بلکه اقتصاد از رکود و فروپاشی بدرجه ای خلاص شود. و نتیجتاً جمهوری اسلامی بتواند خود را از خطر جدی انقلاب که دیگر جدی تر از همیشه حضور خود را نشان میدهد، برهاند. جالب اینست که کاروان "اصلاح طلبان" خارج حکومتی هم فضا را بو کشیده است و دارد ذره ذره از راه میرسد و پشت او قرار میگیرد. تا اینجا خبر حمایت گنجی و خان بابا شنیده ام. اما با بن بست این جماعت دوم خردادی سابق و اینکه دنبال پیامبری در درون حکومتی ها میگردند تا پشت سرش سینه بزنند، بعید نیست که اگر احمدی نژاد بتواند زیر فشارهای طرفداران خامنه ای و مخالفین متعدده دوام آورد، شمار بیشتری این بار گرد جناب احمدی نژاد معرکه گیری کنند. که داستان کمندی ترازیک جالبی خواهد شد. علت اصلی کشاکش و نزاع در بالای حکومت و کل این جناح بندیها و جنگ و کشاکش ها، همانگونه که تاکنون نشان داده است، فضای سرنوشتی طلبی و انقلابی در جامعه و بن بست جمهوری اسلامی از نظر سیاسی و اقتصادی و ایدئولوژیک است. امروز با اوج گیری کشاکش تند خامنه ای با "دولت خدمتگزارش"، این واقعیت دیگر بسادگی قابل انکار

قطعه نامه هفت شکل ...

بازگشایی سندیکی کارگران نقاش و تزئینات ساختمان، هیئت بازگشایی سندیکی فلز کار مکانیک، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، تشکلهایی که به همت خود کارگران تشکل شده اند، با این قطعه نامه متحدانه به پیشواز این روز رفته اند و دیگر کارگران را به پیوستن به آن فراخوانده اند. درود به همه این کارگران، اول ماه را به دست اندرکاران این تشکل های کارگری و به همه کارگران و مردم آزادیخواه در ایران تبریک میگویم.

قطعه نامه مشترک کارگران بطور واقعی قطعه نامه کل کارگران و کل مردم ایران است. قطعه نامه ایست که خواستهای کل جامعه را نمایندگی میکند. این قطعه نامه کیفرخواست خود را علیه توحش سرمایه داری اعلام و صدای اعتراض کل جامعه علیه فقر و فلاکت است. تهاجم اقتصادی به زندگی و معیشت کارگران و کل مردم و دستمزدهای زیر خط فقر را مورد اعتراض قرار میدهد و اعلام میکنند که اما ما کارگران نظاره گر مرگ تدریجی خود و همسر و فرزندانمان نخواهیم شد، و متحد و یکپارچه در مقابل فقر و فلاکت و بی حقوقی اجتماعی تحمیل شده بر خود ایستادگی خواهیم کرد. قطعه نامه

از صفحه ۱

مشترک کارگران قطعه نامه ایست علیه اعدام، برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی، در دفاع از حقوق کودک، علیه تبعیض علیه زن، دفاع از حقوق کارگری که بازنشسته میشود و از هرق و حقوقی محروم است و برای یک زندگی شاد و انسانی. این قطعه نامه با همبستگی با انقلابات مردم به جان آمده علیه دیکتاتورها در خاورمیانه و مبارزات کارگران جهان، همبستگی جهانی که خصلت ویژه این روز است را نمایندگی میکند و آزادی و برابری را فریاد میزند. این قطعه نامه از خواستهای فوری و همین امروز کارگران پرداخت دستمزدهای معوقه، کوتاه شدن دست پیمانکاران و از بین رفتن استخداآمهی قراردادی این شکل برده وار کار سخن میگوید. این قطعه نامه را باید به قطعه نامه سراسری خود در اول مه تبدیل کنیم. ما بخش های مختلف کارگری، و معلمان، پرستاران، دانشجویان، و بخش های مختلف جامعه را فرا میخوانیم که با گذاشتن امضای خود در زیر این قطعه نامه اعلام کنند که از خواستهای آن بعنوان خواستهای کل جامعه حمایت و پشتیبانی میکنند. قطعه نامه مشترک هفت تشکل کارگری برای اول مه، پیام اول مه ۲۰۱۱ کارگران و مردم ایران و پرچم و راهنمای مبارزه همه کارگران در سال جاری است. زنده باد اول مه!*

قطعه نامه مشترک به مناسبت روز جهانی کارگر

اول مه ۲۰۱۱، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰

اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز اتحاد و اعتراض جهانی کارگران به ستم و نابرابری نظام سرمایه داری است. این روز یاد آور مبارزات کارگران جهان برای دستیابی به حقوق انسانی شان است. کارگران ایران همراه با کارگران جهان این روز را گرامی میدارند و هر ساله در اعتراض به شرایط غیر انسانی خود در این روز گردهم آمده و به هر طریق برای بدست آوردن حقوق حقه خود فریاد بر می آورند.

شور و شغف و رزمندگی کارگران در روز اول ماه مه و اعتراض آزادانه میلیونی آنان به شرایط زندگی شان در اکثر نقاط دنیا در حالی جهان را به لرزه میاورد که کارگران ایران علاوه بر محرومیت از حقوق اجتماعی خود از قبیل بر پائی تشکل و اعتراضات خیابانی، هر روزه و هر لحظه در معرض شدیدترین تهاجمات به زندگی

راهروهای اداری ابتر میکنند و در حالی که اقدام به افزایش سرسام آور قیمتهای کالاهای اساسی کرده اند حداقل دستمزد کارگران را بطور توهین آمیزی ۹ درصد افزایش میدهند.

از نظر ما همه اینها برای میلیونها خانواده کارگری مستاصل از تامین حداقل معیشت در شرایط کنونی، معنایی جز درماندگی بیشتر برای گذران زندگی و تحمیل فقر و فلاکتی روز افزون بر آنها ندارد. اما ما کارگران نظاره گر مرگ تدریجی خود و همسر و فرزندانمان نخواهیم شد، ما تعرض هر روزه به زندگی و معیشت خود را بر نخواهیم تافت و متحد و یکپارچه در مقابل فقر و فلاکت و بی حقوقی اجتماعی تحمیل شده بر خود ایستادگی خواهیم کرد. در این راستا ما کارگران ایران با ابراز انزجار از وضعیت موجود، همدان را در تمامی نقاط کشور به طرح متحدانه و سراسری خواستها و مطالبات شان فرا میخوانیم و در شرایط حاضر خواهان تحقق بی درنگ مطالبات زیر هستیم:

۱- آزادی بی قید و شرط برپایی تشکل های مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، آزادی احزاب، تجمع و آزادی بیان و مطبوعات حق مسلم ما است و این خواسته ها باید ضمن برچیده شدن کلیه نهادهای دست ساز دولتی از محیطهای کار و زندگی، به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعی کارگران و عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شوند.

۲- ما جامعه ای را که اقلیتی صاحب ثروت و سرمایه های کلان باشند و اکثریتی هم نان شب نداشته باشند بر نخواهیم تافت. از نظر ما افزایش ۹ درصدی دستمزدها بویژه با توجه به اجرای طرح قطع یارانه ها و افزایش سرسام آور هزینه های زندگی اهانت به منزلت انسانی و حق حیات کارگران است. ما تعیین چنین سطح دستمزدی را تحمیل بیش از پیش فقر و فلاکت مطلق بر میلیونها خانواده کارگری میدانیم و بار د شیوه کنونی تعیین دستمزدها مصرانه خواهان توقف اجرای طرح قطع یارانه ها و تعیین دستمزدها توسط نماینده های واقعی کارگران بر اساس بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز هستیم.

۳- ما خواهان محو قراردادهای موقت و سفید امضاء، بر چیده شدن شرکتهای پیمانکاری و انعقاد قرارداد

مستقیم و دسته جمعی، تامین امنیت شغلی کارگران و رعایت بالاترین استانداردهای بهداشت و ایمنی در محیطهای کار و زندگی هستیم

۴- دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه یک جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت شود

۵- اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند

۶- به رغم اینکه سازمان تامین اجتماعی با دسترنج و پول کارگران به یکی از نهادهای دارای ثروت نجومی در ایران تبدیل شده است اما این سازمان با قرار گرفتن در چرخه سود و سودآوری سرمایه تنها به فکر کاهش خدمات درمانی و دریافت فرانشیز از کارگران بیمار است. ما بیمه های تامین اجتماعی را حق مسلم تمامی آحاد جامعه میدانیم و خواهان اداره این نهاد بدست نماینده های منتخب کارگران در سراسر کشور هستیم.

۷- ما ضمن محکوم کردن هر گونه تعرض به اعتراضات کارگری و مردمی، خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه کارگران زندانی و دیگر جنبش های اجتماعی از زندان و توقف فوری پیگرد های قضایی علیه آنان و بر چیده شدن فضای امنیتی موجود هستیم

۸- ما خواهان لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی هستیم

۹- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغلغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری

بازنشستگان و بهره مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی هستیم

۱۰- کار کودکان باید ملغی گردد. برخورداری کودکان و والدین آنها از تامین اجتماعی گسترده و کامل، امکانات آموزشی رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگان جدا از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانوادگی شان، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی می باید برسمیت شناخته شود.

۱۱- ما دگرگونی خواهی را حق مسلم تمامی انسانها در سرتاسر جهان میدانیم و با حمایت قاطعانه از مبارزات و اعتراضات مردمی در تمامی کشورهای خاورمیانه، هر گونه سرکوب اعتراضات مردمی و بند و بست دولتها برای ستم و سو دادن به تغییرات از بالای سر مردم و دست اندازی و دخالت از سوی آنها در سرنوشت مردم کشورهای خاورمیانه را قویا محکوم میکنیم

۱۲- ما بخشی از کارگران جهان هستیم و اخراج و تحمیل هرگونه تبعیض بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیتها را به هر بهانه ای محکوم میکنیم

۱۳- ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت های بین المللی کارگری و مردمی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی کارگران برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم

۱۴- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد

زنده باد اول ماه مه

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

۱۳۹۰-۲۰۱۱-۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰

جنگ نازه جناح بندی نازه، ...

از صفحه ۲

بار مستقیما پرچم انقلابی که امر خود را سرنگونی کل حکومت اسلامی با تمام دارودسته هایش تعریف میکند را با قاطعیت و شفافیت بلند کنند و تمام بساط آنها را برای همیشه جارو کنند.*

کردن نیست. فکر میکنم این کشاکش های کنونی نیز هر افت و خیز کوتاه مدتی داشته باشد، بناچار مسیر اوج گیری و شدت یابی را طی خواهد کرد و فرجه تازه ای ایجاد خواهد کرد که کارگران و مردم با استفاده از تجربیات قبلی خویش این

بازتاب هفته

ماهواره ها و دهن کجی به قانون اسلامی



بهروز مهر آبادی

دستری به کانالهای تلویزیونی سایر کشورها، با خبر شدن از آنچه که در دنیا می گذرد و دیدن برنامه های تلویزیونی بدون روضه خوانی و عزاداری و سانسور جمهوری اسلامی در دو دهه قبل به آسانی میسر نبود. فقط کسانی که در نقاط مرزی زندگی می کردند می توانستند با دشواری برنامه های تلویزیونی که در کشورهای همسایه پخش می شد، را ببینند. پیشرفت تکنولوژی و استفاده از ماهواره در رساندن امواج تلویزیونی و رادیویی به همه نقاط جهان این امکان را در اختیار مردم ایران هم قرار داد تا بتوانند به شبکه های تلویزیونی مختلف دسترسی داشته باشند. آغاز اولین کانال های برنامه های تلویزیونی فارسی و پخش برنامه های سیاسی رنگ خطری برای جمهوری اسلامی بود. در بهمن ۱۳۷۳ قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات از ماهواره به تصویب مجلس رسید و در فروردین ۷۴ دولت آئیننامه اجرائی آن را تصویب کرد. بر اساس این قانون وارد کنندگان، تولید کنندگان و استفاده کنندگان از تجهیزات شبکه های ماهواره ای مجرم شناخته شدند و حمل، نگهداری، نصب و تعمیر تجهیزات مربوط به آن جرم و مشمول مجازات شناخته شد. نیروی انتظامی و بسیج مأمور جمع آوری تجهیزات دریافت از ماهواره شد و از آن به بعد کشمکش بین مردم و حکومت اسلامی بر سر استفاده از آنتن های ماهواره ای بالا گرفت. خبر حملات هر روزه به محل های مسکونی و به پایش پائین کشیدن آنتن های ماهواره، حمله به فروشگاهها و به غارت بردن وسایل مربوط به تلویزیون و ماهواره در رسانه های رژیم مرتب اعلام می شود. هزاران نفر بخاطر داشتن آنتن های ماهواره ای جرمه نقدی شده و مورد توهین و آزار قرار گرفته اند. اما این حملات بهیچ وجه موثر نبود و رژیم وامانده از جمع

آنتن ها، اقدام به پخش پارازیت روی کانال های تلویزیونی کرد. ارسال پارازیت بطور مستقیم روی ماهواره پخش کانالهای فارسی زبان برای مدتی از کوبا و یا برخی از کشورهای اروپای شرقی انجام شد اما این کار واکنش شدید شرکت های دارنده ماهواره و سازمان های بین المللی ارتباطات جمعی را بدنبال داشت تا آنجا که وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا در بیانیه ای خواستار پایان دادن به پخش پارازیت شدند. اهمیت و تاثیر کانال جدید در جنبش انقلابی سال ۸۸، رژیم وحشت زده را وادار به چاره جویی کرد تا جایی که با تحت فشار قرار دادن شرکت های اداره کننده ماهواره و احتمالا تطمیع آنها تلاش کرد تا برای مدتی مانع پخش بعضی کانال های تلویزیونی بویژه کانال جدید شود. در حال حاضر جمهوری اسلامی بیشتر از سیستمی استفاده می کند که پارازیت های زمینی را با توان بسیار زیاد در سطح شهرها و مناطق پرجمعیت می فرستد. از این روش در جنگ ها استفاده می شود و ارتش ها از آن برای مختل کردن ارتباطات طرف مقابل استفاده می کنند. اما تاثیر این امواج بر سیستم های هوانوردی، شبکه های الکترونیکی دستگاهها ایمنی، تجهیزات بیمارستانی و مراکز علمی امکان استفاده از این پارازیت ها را برای رژیم کم می کند. از سوی دیگر شدت این پارازیت ها در برخی از نقاط شهرها و اثرات آن بر سلامت شهروندان، نگرانی های زیادی را نیز ایجاد کرده تا جایی که حتی موجب اعتراض بعضی کارگزاران رژیم شده است. اما تمام این تلاش ها نتوانست مردم را از دیدن تلویزیون های ماهواره ای باز دارد و با ساده ترین امکانات راه حل هایی برای مقابله با پارازیت ها پیدا کرده اند. "جنگ ماهواره ها" عملا با شکست مفتضحانه رژیم به پایان خود نزدیک شده است. اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی در مصاحبه ای در اسفند ماه گذشته گفت: "وقتی روی پنجره ساختمانی که نشی بزرگراه قرار دارد دیش ماهواره نصب کرده اند، این دهن کجی به قانون است"، او قانون ممنوعیت ماهواره را "عملا متروک" اعلام کرد که گاهی از آن استفاده می شود. چندی قبل احمدی

نژاد در مصاحبه با یک شبکه تلویزیونی در آمریکا ادعا کرد که شهروندان ایران برای داشتن تجهیزات ماهواره، تحت فشار قرار نمی گیرند و جواد آرین منش نماینده و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس اسلامی اعلام کرد: "در مقابل ورود ماهواره به کشور نمی توان مقاومت کرد" سایت عصر ایران وابسته به اصولگرایان رژیم هفته قبل در مقاله ای این سوال را مطرح کرد که "۱۷ سال پس از ممنوعیت ماهواره در کجا قرار داریم؟" نویسنده این مقاله اقرار می کند که قانون منع خرید و فروش و استفاده از ماهواره در این ۱۷ سال نه تنها موفق نبوده بلکه استفاده کنندگان از وسیله دهها برابر شده و روز بروز بر تعداد آنها افزوده می شود. "عصر ایران" از حمله های نیروهای انتظامی به منازل مردم و جمع آوری ماهواره ها می نویسد و اینکه خانواده ها "به شب نرسیده" آنتن دیگری مهیا کرده و به تماشای برنامه های تلویزیونی می نشینند. اما عطش مردم به دیدن برنامه های تلویزیونی بدون اسلام بازار داغی برای فروش تجهیزات تلویزیون ماهواره فراهم کرده بطوری که حتی دست اندکاران رژیم هم از آن نمی توانند بگذرند. نقش اصلی سپاه پاسداران در قاچاق این تجهیزات به داخل کشور و کسب سودهای هنگفت زبانزد مردم است و حتی "عصر ایران" نمی تواند پنهان کند که شبکه قاچاق آنتن های ماهواره ای توانسته "حتی در بخش هایی از شبکه دولتی نیز نفوذ و رخنه کرده باشد". قانون ممنوعیت استفاده از ماهواره توسط مردم زیر پا گذاشته و لغو شده است. ادامه آن بی آبرویی بیشتر برای رژیم و آشکار ساختن ضعف و ناتوانی آن در مقابل مردم است. بی دلیل نیست که آخرین توصیه "عصر ایران" به رژیم نوشیدن جام زهر است و اینکه "فکری برای این قانون کرده و تصمیمی شجاعانه بگیرند که به صلاح کشور و ملت باشد؟"

چرنوبیل و فوکوشیما، فاجعه برای چندین نسل

بهروز مهر آبادی

روزهای ۶ تا ۹ اردیبهشت ۱۳۶۵ مردمی که در نزدیکی نیروگاه اتمی چرنوبیل در اوکراین زندگی می کردند بی خبر از آن بودند که چه فاجعه بزرگی در زندگی آنها

اتفاق افتاده است. شبانگاه ۵ اردیبهشت مسئولان نیروگاه دست به انجام یک آزمایش زدند بدون اینکه پیش بینی های لازم و محاسبه خطرات احتمالی را انجام دهند و فرسوده بودن تجهیزات قدیمی را در نظر بگیرند. مسئولان سیستم ایمنی راکتور را از آن خارج کرده و میله های کنترل را را بیرون کشیدند. مقدمات بروز یکی از بزرگترین فجایع انسانی فراهم شد. نبودن کنند باعث از کنترل خارج شدن راکتور و بالا رفتن بیش از حد دمای آن شد و موجب بروز انفجار و آتش سوزی گردید. پوشش ۱۰۰۰ تنی بالای راکتور بر اثر انفجار جابجا شد و بخارهای رادیو اکتیو به بیرون از راکتور انتشار یافت، سقف راکتور در هم شکسته شد و آتش سوزی بخش های مختلف نیروگاه چرنوبیل را در بر گرفت. میزان تشعشعات اتمی ناشی از این واقعه معادل ۴۰۰ بمب اتمی که بر سر مردم هیروشیما فرود آمد، ارزیابی شد. عوارض این تشعشعات در میلیونها نفر به شعاع صدها کیلومتر مشاهده شد. آلودگی به مواد رادیو اکتیو به بسیاری از کشورهای اروپائی، نیمکره جنوب، اقیانوس منجمد شمالی و اقیانوس آرام رسید. هزاران نفر بخاطر سرطان و سایر بیماریهای ناشی از تشعشعات اتمی جان خود را از دست داده و هزاران نفر دیگر هنوز با عوارض دهشتناک و رنج این بیماری دست و پنجه نرم می کنند. تعداد قربانیان به بیش از یکصد هزار نفر برآورد می شود. ابعاد فاجعه توسط دولت شوروی و سپس دولتهای روسیه مخفی نگاه داشته شد. سه روز پس از وقوع انفجار و پس از اینکه در سوند سطح بالا و غیر متعارف تشعشعات رادیو اکتیو ثبت شد، دولت شوروی از وقوع این انفجار خبر داد ولی از اقدام جدی برای جان مردم و تخلیه منطقه خودداری نمود. و بعد از ۳ سال از آژانس بین المللی اتمی درخواست کمک کرد. پس از ۲۵ سال تلاش برای ایزوله کردن بقایای نیروگاه و ممانعت از انتشار بیشتر، تشعشعات رادیو اکتیو هنوز ادامه دارد. اطراف نیروگاه به فاصله ۳۰ کیلومتر خالی از سکنه شده اما هنوز صدها هزار نفر گریز و چاره ای جز ادامه زندگی در مناطقی که هنوز از نظر میزان تشعشعات خطرناک است، ندارند و صدها سال طول می کشد تا میزان مواد رادیو اکتیو در

شعاع ۳۰۰ کیلومتر نیروگاه تا حد مجاز کاهش یابد.

مراسم بیست و پنجمین سال فاجعه چرنوبیل در حالی برگزار شد که بیش از ۳ ماه از انفجار در نیروگاه فوکوشیما در ژاپن نمی گذرد. با وجود اغراق هایی که در مورد ایمنی تکنولوژی ژاپن می شود، فاجعه فوکوشیما نشان داد که در نظام سرمایه داری ایمنی و سوددهی نمی تواند در کنار یکدیگر قرار گیرند. کسب سودهای میلییاری برای شرکت های بزرگ تولید انرژی مانع از آن است که حتی برای لحظه ای به فکر امنیت میلیونها انسانی باشند که هر حادثه کوچک در نیروگاههای هسته ای، زندگی آنها را به خطر می اندازد. بخاطر افتادن اعتبار تکنولوژی ژاپنی و پائین آمدن سود شرکت هایی که از این اعتبار استفاده می کنند، مانع از این شده تا مسائلی که پیرامون نقائص نیروگاه فوکوشیما و اشتباهات شرکت "توکیو الکتریک پاور"، در سطح عمومی مطرح شود. اما آنچه بدون شک در این باره روشن است در دسترس قرار ندادن اطلاعات و عدم اعلام واقعیات در روزهای پس از زلزله تاثیر زیادی در تشدید صدمات ناشی از پخش تشعشعات رادیو اکتیو داشته است. آقای هانس بلیکس مدیر سابق سازمان بین المللی انرژی اتمی در مصاحبه ای اعلام کرد که ساختمان نیروگاه فوکوشیما در برابر سونامی ایمن نبوده است. او همچنین شرایط ایمنی فیلترهای جذب ذرات رادیو اکتیو در این نیروگاه را زیر سوال برد. بیست و پنج سال پس از فاجعه چرنوبیل و بروز فاجعه فوکوشیما این سوال را بطور جدی در مقابل دنیای امروز قرار داده است که آیا کلا استفاده از انرژی اتمی را تا زمانی که بشر صد در صد از امکانات ایمن سازی آنها برخوردار شده است، نباید کاملا کنار گذاشت؟ و بطور مشخص آیا نظامی که اساس آن بر کسب سود و سودآوری است میتواند به چنین حد از ایمن سازی ای بیندیشد و روی آن سرمایه گذاری کند؟*

کانال جدید را به دوستان و آشنایان معرفی کنید





زندگی مردم ایران و بی ربطی این رژیم را با دنیای امروز نشان می دهد.*



بیماران در بیابانها در جمهوری اسلامی بار دیگر خطر آن را برای

بازتاب هفته

توحش اسلامی و رها کردن دو بیمار در بیابان بهروز مهرآبادی

روز ۲۳ فروردین رانندگان با کمال ناباوری مشاهده کردند که دو بیمار با لباس بیمارستان کنار بزرگراهی رها شده اند و با مرگ دست و پنجه نرم میکنند. با انتشار این خبر معلوم شد که این دو بیمار توسط آمبولانس بیمارستان "امام خمینی" یکی از بزرگترین بیمارستانهای پایتخت درکشتارهای اطراف بهشت زهرا رها شده اند. یکی از این دو بیمار دچار شکستگی پا و عفونت و دیگری در ناحیه صورت و باسن دچار سوختگی شدید بود. با تلاش اهالی منطقه و اعتراض آنها این دو بیمار به کلانتری و از آنجا به بیمارستانی در منطقه شهر ری منتقل شدند. این خبر خیلی زود در سایت های خبری منتشر شد و بار دیگر ابعاد بزرگ فاجعه ای را که جمهوری اسلامی در ایران بوجود آورده نشان داد. اعتراض عمومی مردم مقامات دولتی را ناچار به نشان دادن عکس العمل کرد. مسئولان بیمارستان خمینی با وجود مدارک انتشار یافته در ابتدا منکر وجود چنین بیمارانی شدند و ادعا کردند که هیچ مرکزی از بستری بودن این دو فرد در بیمارستان وجود ندارد. رئیس کمیسیون بهداشت مجلس اسلامی این خبر را غیر واقعی و یک جوسازی سیاسی نامید. اما دو روز بعد دادستان تهران حکم بازداشت هفت نفر از کارکنان بیمارستان خمینی را بخاطر دست داشتن در این اقدام صادر کرد و روسای بیمارستان اعلام کردند که مسئولین از اینکار بی اطلاع بوده و کارکنان بیمارستان خودسرانه دست به این کار زده اند. این واقعه در سایت های خبری ایران لقب "شرمساری ملی" گرفت و مردم انزجار خود را نسبت به این عمل غیر انسانی نشان دادند. بیشتر اظهار نظر های مردم که بدنبال این خبر در سایت های اینترنتی انعکاس یافت خشم و نفرت از لایقیدی مسئولان نسبت به جان افراد و مسخره کردن و زیر سوال بردن جامعه اسلامی و قوانین آن است که حتی سانسور شدید هم نتوانست مانع آن شود. گزارش ها روشن کرد که مقامات بیمارستان این دو نفر را به خاطر نداشتن پول از بیمارستان اخراج

کرده و از معالجه آنها خودداری کرده اند و آنها را بطور وحشیانه دور از شهر رها کرده اند. یکی از این دو بیمار بنام حمید فرازی در مصاحبه ای گفت که بخاطر عفونت شدید بعد از عمل جراحی پایش به بیمارستان مراجعه کرده و در ابتدا ۵۰ هزار تومان پرداخته است. اما پرداخت مابقی هزینه یک روز به تاخیر افتاده است. شب دوم او را به زیر زمین بیمارستان و به میان آهن پاره ها انتقال داده و صبح روز دوم مأموران بیمارستان او و یک بیمار دیگر را در بیابانهای بهشت زهرا رها می کنند. در طول این دو روز او از دریافت غذا محروم بوده و روز دوم که همسر او برای پرداخت مابقی هزینه بیمارستان مراجعه می کند کارکنان بیمارستان به او می گویند که قانون ما این است اگر یک روز پول دیر برسد بیمار را در بیابان ها رها می کنیم. انتشار خبر دیگری مبنی بر رها کردن یک زن بیمار ۷۰ ساله در اطراف کهریزک نشان می دهد که این عمل بطور سیستماتیک در مورد بیماران بی پول انجام می گیرد.

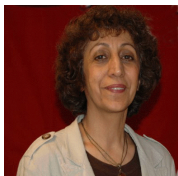
طرح خودگردانی یا طرح کارانه ها که از اوایل سال دهه ۷۰ در بیمارستانهای دولتی به اجرا گذاشته شد عملاً به معنی ناتوانی و شانه خالی کردن دولت اسلامی از پاسخ دادن به یک نیاز مبرم جامعه یعنی درمان بود. در این طرح قرار بود تا با دریافت ۷۵ درصد هزینه درمان از بیمه و ۲۵ درصد از بیماران بیمارستانها خودگردان شوند. اما طبق گزارشهای انتشار یافته هزینه دریافتی از مردم به ۶۰ درصد رسیده است و نقش بیمه ها روز بروز کمتر می شود. از میزان کارانه ۱۰ سهم هزینه های بیمارستان، ۵ درصد سهم دانشگاه، ۲۰ درصد سهم پرسنل و بیش از ۶۰ درصد سهم پزشکان و روسای بیمارستانها می شود. دانشجویان دوره پزشکی و دوره های تخصصی با وجود اینکه در بیمارستانها کار می کنند، از کارانه ها سهمی نمی برند. حقوق پرستاران، کمک پرستاران و سایر کارکنان بیمارستان رقم بسیار ناچیزی را تشکیل می دهد و بر اساس گزارش های رسمی فقط ۲۰ درصد از درآمد بیمارستان به ۹۰ درصد از کارکنان بیمارستان ها تعلق می گیرد.

سودجویی و نبودن هیچگونه ضابطه ای موجب می شود تا هر روزه از کیفیت و کمیت تجهیزات بیمارستانی و سرویس های آن از جمله غذای بیماران و امکانات بهداشتی کاسته شود و از پذیرش بیمارانی که برای بیمارستان سود دهی نداشته باشد، خودداری شود. به راحتی می توان دریافت که کارکنان عادی بیمارستان در رها کردن بیماران در بیابانها منفعتی ندارند و در حقیقت مافیای حاکم بر بیمارستانهای دولتی هستند که بخاطر کسب سودهای هنگفت دست به هر عمل غیر انسانی می زنند.

گزارشهایی که حتی در رسانه های داخل ایران انتشار می یابد حاکی از وضعیت فاجعه بار درمان در ایران است. رفتار توهین آمیز و جنایت بار با بیماران در بیمارستانها امری طبیعی است. هر کدام از بیمارستانها آوایشی را به کار گرفته اند تا با بیماران معترض و یا بی بضاعت و یا حتی با کارکنان ناراضی بیمارستان مقابله کنند. شنیدن اخبار زندانی کردن بیماران، کتک زدن آنها، تحویل ندادن جنازه ها بخاطر نداشتن پول امری طبیعی است. جمهوری اسلامی هیچ ارزش و مسئولیتی در قبال جان مردم ندارد. به گفته دکتر حسن امامی رضوی معاون وزارت بهداشت برای درمان بیماران در کشور به ۱۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز است (۹۰ میلیون دلار) در حالی که دولت یک دهم این مبلغ را به درمان تخصیص داده است. بیماری هر چقدر احتیاج فوری به مداوا داشته باشد، بدون پرداخت قبلی هزینه بیمارستان، شانس زیادی برای معالجه ندارد. میلیونها کارگر بیکار و یا کارگران فصلی از هر گونه بیمه درمانی محرومند. این وضعیت یک جنایت آشکار است که جان بسیاری را در سالهای اخیر به دلیل نداشتن پول کافی گرفته است. بدتر از همه وضعیت صدها هزار مهاجر افغان است که بعد از چندین سال کار و زندگی در ایران از داشتن هر گونه بیمه و حق درمان محرومند و اعتراض آنها در کمتر رسانه ای منعکس می شود. حق برخورداری از بهداشت و درمان رایگان امری بدیهی در دنیای امروز است که باید مصرانه بر آن پافشاری کرد. با وجود حمله سرمایه داری به حقوق اولیه مردم بویژه در سالهای اخیر این حق در صدر توقعات بشریت امروز است. واقعه رها کردن

احمد خاتمی: برای حل مسأله حجاب باید خون ریخته شود!

شهلا دانشفر



تعزیه خوانی بر سر بی حجاب شدن زنان، امروز دیگر به یک بخش مهم زندگی این رژیم تبدیل شده است. به خطبه های نماز جمعه هایشان گوش دهید، مباحث نشست های مجلس و شیوخ قم و آیت الله هایشان را بخوانید. یک بخش مهم داد و جنجال هایشان بر سر همین موضوع است. چون جنبش حجاب برگیران، جنبش زمین زدن این پرچم آپارتاید جنسی آنچنان این رژیم را به چالش کشیده است، که دارند خودشان آشکارا از رفتن نظام و اسلامشان سخن میگویند. از اینکه حجاب برگیران یک شکل مخالفت سیاسی مردم با نظام و جنگ روانی ماهواره هاست حرف میزنند و این نگرانی برایشان آنچنان ابعادی پیدا کرده است که به یکی از موضوعات مهم دعوای درون حکومت نیز تبدیل شده است. یک نمونه جالب این کشاکش، سخنان همین هفته احمد خاتمی عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان جمهوری اسلامی است. او در جلسهای با حضور طلاب در پاسخ به سوال یکی از حضار که گفته بود در شهر قم افراد بد حجاب آزادانه در شهر می گردند و نیروی انتظامی نیز ظاهراً کاری نمیکند، بعد از حملاتی به دولت و روی آوریش به سیاست تساهل و تسامح، به اینجا میرسد که برای حل مسأله حجاب باید "خونهای پاک" ریخته شود. سخنانی که آشکارا بیانگر بن بست و استیصال و سردرگمی این جنایتکاران و خونخواران است.

۳۲ سال سرکوب کردند. با پونز حجاب را بر پیشانی زنان "بدحجاب" کوبیدند. به روی زنان اسید پاشیدند. اوباش حزب الله شان را فوج فوج

تحت عنوان مانور و نهی منکر و امثال آن به خیابان ریختند و زنان را تحت عنوان بدحجابی، مورد تحقیر و اذیت و آزار دائمی قرار دادند. زنان "بدحجاب" را دستگیر و زندانی کردند. در زندان مورد شکنجه و تجاوز قرار دادند. شلاق زدند و احکام اسلامی جنایتکارانه شان را جاری کردند. و علیرغم همه این جنایتها و این سرکوب سیستماتیک و هر روزه، امروز جنبش علیه تبعیض علیه زن، جنبش علیه این بساط آپارتاید جنسی و حجاب سمبل آن، قویتر از هر وقت در مقابل این جانیان ایستاده است. جنبشی قدرتمند که امروز این جانوران اسلامی را چنین به مرثیه خوانی و عجز و ناتوانی انداخته است. از جمله چندی پیش نیز یکی دیگر از همین قماش اسلامی گفت برای مقابله با مصیبت "بیحجابی" کار فرهنگی تنها کافی نیست، باید برخورد هم کرد. اما سخنان خاتمی در واقع اعلام شکست سیاست سرکوب و جنایت این رژیم است. ۳۲ سال امثال رادان ها و احمدی مقدم ها و جانیان دیگر را به جان زنان معترض انداختند و جنایت کردند، حالا تنها راه باقیمانده برای جناب احمد خاتمی ریختن خونهای پاک است.

لب سخن اینست بیحجاب شدن زنان، بیش از هر چیز پیام آور زیر پا افتادن حجاب این پرچم و سمبل رژیم آپارتاید جنسی است. و در برابر این شکست محتوم، احمد خاتمی دارد جمهوری اسلامی و تلاش را به عملیات انتحاری فرامیخواند. جواب این کرگندهای اسلامی را زنان و دختران و همه مردم هرروز دارند در خیابانها میدهند و خواهند داد.*

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!



میکنند خام نیست که با آب نبات چوبی "انتقال به دموکراسی" فریب بخورد. و لذا ادامه دارد. اما انطباق این سیاست در سوریه با این مشکل نیز روبروست که غرب بدلائل تاریخی با ارتش و بوروکراسی و هیأت حاکمه آن کشور روابط تنگاتنگ نوع مصر و تونس را ندارد و ترجیحش این است که خود بشار اسد به رهبر انتقال به دموکراسی و حفظ سیستم در آنجا تبدیل شود!

در این رابطه شاید بد نباشد به بیانیه گروهی به نام "ابتکار ملی برای تغییر در سوریه" اشاره کنیم. گروهی که خود را یک "چتر دربرگیرنده فعالین داخل و خارج سوریه" معرفی میکند و ظاهراً تنها جریان جدی اپوزیسیون است که میکوشد نوعی رهبری برای انقلاب در سوریه تأمین کند. (در سوریه هم نظیر مصر و تونس و غیره، انقلاب خارج از چهارچوب احزاب و گرایشات سیاسی سنتی و به ابتکار مستقیم خود مردم و مخصوصاً جوانان شکل گرفته و پیش میرود.) در بیانیه روز چهارشنبه (۲۷ آوریل) این گروه که رسانه های مختلف از نیویورک تایمز تا الجزیره از آن نقل کردند، آمده است: "انقلاب توده ای در سوریه" رژیم را درهم خواهد شکست، مگر آنکه بشار اسد به یک "دوره انتقالی به دموکراسی" تن دردهد! و اضافه کرده است: "یک دوره انتقالی دموکراتیک، ملت را از خطر افتادن به یک دوره خشونت، هرج و مرج و جنگ داخلی ایمن خواهد کرد..." اگر رئیس جمهوری سوریه نمی خواهد نام خود را بعنوان رهبر این انتقال در تاریخ ثبت کند، برای سوری ها آلترناتیو دیگری وجود ندارد جز اینکه همان راهی را بروند که قبلاً در مصر و تونس و لیبی پیموه شد. "مستقل از اینکه این گروه تازه تاسیس چه منشأ و هویتی دارد، سیاستی که اینجا اعلام کرده منطبق بر سیاست غرب است. "سوری" ها و انقلاب شان بعنوان تهدیدی به سوی جناب بشار اسد نشانه رفته که خود ایشان سر عقل بیاید و معمار و رهبر "انتقال به دموکراسی" باشد! چیزی که با اینهمه کشتارهایی که اسد انجام داده و تجاری که مردم اتفاقاً از همان مصر و تونس بدست آورده اند، دیگر نه



نوبت بشار اسد!... از صفحه ۱

مصطفی صابر

برق و تلفن و نوعی محاصره کامل شهر به شیوه ارتش های اشغالگر در جریان است. با این حال و به رغم جنایات سبعانه شش هفته گذشته که بیش از ۴۵۰ قربانی گرفته است، تظاهرات مردم سوریه هر دم رادیکال تر، پرجمعیت تر و از لحاظ جغرافیایی گسترده تر شده است. ویدئوهایی که یکی دو روز گذشته در اینترنت منتشر شده نشان میدهد که چگونه جوانان با سنگ به تانک های بشار اسد حمله میبرند و سرکوتاه آمدن ندارند.

تظاهرات های وسیع صدها هزار نفره جمعه گذشته در شهرهای مختلف سوریه یک نقطه عطف بود. نه فقط پاسخ دندان شکن مردم به سرکوب وحشیانه حکومت بود بلکه بطور عینی بر این حقیقت تأکید گذاشت که انقلاب در سوریه بیش از پیش عمق می یابد و ریشه می دواند. عقب نشینی های بشار اسد، نظیر لغو قانون وضعیت فوق العاده و آزاد کردن برخی زندانیان سیاسی و غیره، با شعارهای تند و سرنگونی طلبانه و تأکید بر تغییر کل رژیم سوسی تظاهرات کنندگان پاسخ گرفت. رژیم اسد کوشیده است تا راه خروج هرگونه خبری را سد کند و گویی همه تجارب و توصیه های همپالکی های ایرانی اش را در سرکوب انقلاب بکار برد، اما حریف نشده است. علاوه بر سرکوب خشن و وحشیانه و به گروگان گرفتن زندگی مردم، کوشیده است با ترغیب های مختلف و از جمله اینکه گویا این اعتراضات کار جریانات اسلامی است مگر در صفوف تظاهر کنندگان تفرقه ایجاد کند و تصویر نامطلوبی از آنها ارائه دهد. اما اینگونه تلاشها نیز به سبک همه انقلاب های اخیر با هشیاری مردم و از جمله انتشار ویدئوهایی که نشان میدهد تظاهر کنندگان اعم از مردم منتسب به اسلام و مسیحیت و یا شیعه و سنی و غیره در کنار هم و بر علیه دیکتاتور می جنگند، نقش بر آب شده است. اخباری هست که حکایت از شکاف برداشتن در دستگاه سرکوب و حکومتی بشار اسد دارد. از جمله مواردی از تمرّد

ایجاد کرده است یک عامل پر قدرت سیاست امروز جهان است که تمام تقسیم بندی ها و به تبع آن هویت تراشی های ساختگی و مصنوعی که بورژوازی طی سی سال گذشته ساخته و پرداخته است را نقش بر آب میکند. جوان لبنانی و فلسطینی اکنون خود را بمراتب نزدیک تر به جوان سوری و مصری و تونسی و شیفته انقلاب "نان و کرامت" آنان می بیند و لذا همان مقدار پایگاه سنتی که جانیان حماس و حزب الله و نظایر آنها داشته اند فرو میریزد. لذا انقلاب در سوریه مقدمه ای بر انقلابات و خیزش های انقلابی بیشتر در مناطق حساس تری نظیر لبنان و فلسطین است. این جنبه دیگری از وحشت غرب و آمریکا از سرنگونی بشار اسد به دست انقلاب مردم و مایه نگرانی شدید آنهاست. نکته برجسته و بدیع در انقلاب سوریه هم در همین است که قطب بندی سیاسی واقعی جهان ما را نشان میدهد. اینکه چگونه از غرب و آمریکا تا جمهوری اسلامی و حزب الله همه در یک صف نگران و آشفته در یکسو قرار گرفته اند و در سوی دیگر انقلاب مردم و جوانان پرشوری قرار دارند که عزم جزم کرده اند این وضعیت نکبت بار و ضد بشری حاضر را تغییر دهند. در ایران نیز مردم با حساسیت و اشتیاق انقلاب سوریه را دنبال میکنند و از آن درس میگیرند. مردم ایران بدورست مخصمه بزرگ اسد را عاملی در تشدید مخصمه خامنه ای و کل جمهوری اسلامی قلمداد میکنند و از آن احساس قدرت میکنند. همچنانکه هر برآمد انقلابی در ایران، که شواهد نشان میدهد در راه است، و سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت مردم انقلابی ایران مستقیماً به مردم سوریه در مبارزه با رژیم اسد قدرت خواهد بخشید. ۲۸ آپریل ۲۰۱۱*

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

انقلاب و ضد انقلاب در سوریه!

محمد شکوهی



در هفته ای که گذشت انقلاب مردم سوریه بر علیه رژیم اسد ابعاد به مراتب گسترده تر و سراسری تری به خود گرفت. صدها هزار نفر از مردم در بیش از ۱۰ شهر بزرگ این کشور به خیابانها آمده و اعلام کردند که مبارزه تا سرنگونی رژیم اسد را ادامه خواهند. در شهرهای بزرگ و مراکز صنعتی و بویژه بخش کشاورزی، کارگران به همراه دانشجویان به اعتراض و مبارزه بر علیه رژیم اسد می دهند. پا به پای گسترش انقلاب، ابعاد جنایات و وحشگریها و سرکوبیهای خونین مردم توسط نیروهای سرکوبگر و امنیتی ابعاد بی سابقه ای به خود گرفته است. بر اساس گزارش سازمان حقوق بشر سوریه در طول شش هفته ای که از آغاز انقلاب مردم می گذرد بیش از ۴۰۰ نفر توسط رژیم کشته شده اند. هزاران نفر دستگیر و در زندانهایی بی نام و نشان در مناطق خالی از سکنه این کشور، تحت وحشیانه ترین شکنجه ها و سرکوب ها قرار دارند. شهر "درعا"، معروف به شهر انقلاب و سرنگونی

شده است و سنگر مهم انقلابیون و ادامه انقلاب! فقط در طول یک هفته گذشته بیش از ۲۰۰ نفر در این شهر کشته شده اند. این شهر ۷۵ هزار نفر جعیت داشته و تقریباً تحت کنترل مردم می باشد. در همین حال رژیم سوریه بر شدت حملات خود بر علیه انقلاب مردم بویژه در این شهر افزوده است. اوایل هفته جاری هزاران سرباز به همراه تانک ها و سلاح های سنگین به تظاهراتی مردم تیراندازی کرده دهها نفر را کشته و صدها نفر را زخمی کرده اند. ابعاد جنایات رژیم در این شهر بی سابقه می باشد. در شهرهای حمص، حلب، بانیاس که به ترتیب به قول مردم انقلابی درعاهای دیگری هستند، اعتراضات و انقلاب مردم با قدرت ادامه دارد.

حکومت سوریه بطور واقعی در محاصره انقلاب مردم قرار داشته و امکان به زیر کشیدن رژیم توسط انقلاب وجود دارد. جانیان حاکم بر سوریه برای حفظ و ادامه حکومت وحشی شان تمام ظرفیتهای سرکوب و جنایتشان بر علیه انقلاب مردم را به

کار گرفته اند. جنگ بین انقلاب و رژیم ضد انقلابی حاکم بر سوریه وارد لحظات حساس و تعیین کننده تری شده است. رژیم سوریه به عنوان هم پیمان استراتژیک جمهوری اسلامی برای سرکوب انقلاب مردم دست به دامان برادران جنایتکار اسلامی اش شده است. بر اساس اخبار و گزارشات موثق نیروهای بسیج و سپاه در سرکوب انقلاب مردم مستقیماً دست دارند. انقلابیون و مردم تا کنون چندین نفر از مزدوران اعزامی جمهوری اسلامی را دستگیر کرده اند. در کنار اینها، حمایتهای مالی و نفتی جمهوری اسلامی از رژیم اسد ادامه داشته و جمهوری اسلامی تمام سعی و تلاش را برای نجات رژیم سوریه از تعرض انقلاب مردم این کشور به کار گرفته است. اسد و خامنه ای شیوه های یکسان سرکوب و سیاست سرکوب انقلاب مردم ایران و سوریه را در دستور خود گذاشته اند. جمهوری اسلامی به خوبی می داند که کار رژیم اسد تمام شده است. با رفتن رژیم اسد جریان تروریست اسلامی حاکم بر ایران تنها متحد و هم پیمانش را در یک منطقه بحرانی در خاورمیانه از دست داده و بیشتر و بیشتر منزوی تر خواهد گشت. جمهوری اسلامی به خوبی می داند که انقلاب مردم سوریه، در عین

باد اول مه، زندگی انسانی حق مسلم است حرف دل تمام کارگران را بیان میکنند. موضوع اعتراضات گسترده کارگری است که هم اکنون در شهرهای مختلف، در قزوین، در قم، در شهرهای مختلف خوزستان و تهران و همه جا شاهدش هستیم. موضوع بر سر جامعه ایست که دارد میجوشد و همه دارند از اجتماع اعتراضی برای اول مه سخن میگویند و کارگران پاکدشت اعلام کرده اند، با مجوز، بی مجوز برای اول مه روز جهانی به خیابان می آیند و این روز را گرامی میدارند. و معلمان نیز نه تنها در روز ۱۱ اردیبهشت بلکه برای ۱۲ اردیبهشت که سنتا هر ساله در آن روز نیز تجمع و اعتراض داشته اند و از آن بعنوان فرصتی برای بیان خواستههایشان استفاده کرده اند، دارند خود را آماده میکنند. بله موضوع بر سر همان فتنه اقتصادی ایست که مدتهاست خواب از سر جانیان اسلامی ربوده است و اکنون دارد به قدرت به جلو می آید تا بساط این جانوران را جارو کند.*

حال انقلابی بر علیه رژیم حاکم بر ایران هم هست. موضوع دخالت های جمهوری اسلامی در سرکوب مبارزات مردم سوریه و محکومیت این سیاست در سطح جهانی کماکان ادامه دارد و لحن غرب و اتحادیه اروپا در برخورد به این سیاست کثیف رژیم ایران تند تر شده و خواهان "عدم دخالت" ایران در روند تحولات سوریه شده اند. فشارها در این رابطه بر جمهوری اسلامی در حال افزایش می باشد. در تحولی دیگر سازمان ملل و اتحادیه اروپا به همراه آمریکا بحث تشدید تحریمها و قطع مناسبات سیاسی با رژیم سوریه را ناچاراً در دستور خود گذاشته اند. در همین رابطه شورای امنیت سازمان ملل در روز چهارشنبه (۷ اردیبهشت / ۲۷ آوریل) تشکیل جلسه داده و موضوع سوریه و اعمال تحریمها را به بحث خواهد گذاشت.

انقلاب مردم سوریه با قدرت ادامه دارد. انقلاب و ضد انقلاب در برابر همدیگر به صف شده اند. جنگ نهایی انقلاب مردم برای پایان دادن به رژیم سوریه گامها به جلو آمده است. دوفاکتو قدرت دوگانه در حال شکل گیری است. شهرهای بزرگ در دست مردم می باشند و رژیم فقط با اعزام هزاران نیروی مسلح فعلاً وفادار رژیم و حکومت نظامی به حیاتش ادامه

یک جهان، یک جنبش!...

بوده ایم که افق دیگری در برابرمان می گشاید. پس از نزدیک سه دهه تعرض راست ترین نیروهای بورژوازی، گفتمانی متفاوت در جهان آغاز میشود. از دهه ۸۰ قرن بیست جهان عرصه تاخت و تاز "بازار آزاد"، "راست جدید"، "نظم نوین"، "جنگ تروریستها" و حمله بلامنازع سرمایه به دستاوردها، معیشت و حقوق کارگران و توده های محروم در سراسر جهان بوده است. اکنون این وضع عوض میشود و انقلاب، پایین کشیدن دیکتاتورها به نیروی مردم انقلابی، دخالت توده های میلیونی برای تعیین سرنوشت خود، و نظیر اینها به فاکتورهای جدی در سیاست جهان تبدیل میشود. در این فضا است که طنین شعار "یک جهان، یک جنبش" در صف اول مه کارگران معنایی تازه می یابد: این جهان برای رهایی خود نیاز به یک جنبش جهانی و واحد دارد. آن نیروی مادی که میخواهد و میتواند چنین جنبشی را به پیروزی برساند

انقلاب یقه آبی ها و ...

شهلا دانشفر

به صورت نرم، نخستین گام را از طریق رسانه هایش برمی دارد "مینوسند:" طرح انقلاب یقه آبی ها در رسانه های غربی و انتشار اخبار اعتراضات کارگری در ایران آغاز حرکت دشمن به سوی فتنه اقتصادی است" و سپس ادامه میدهد: "پس از پایان فتنه اخیر که در واقع با تجمعات کوچک اصحاب فتنه و اغتشاشگران در ۲۵ بهمن ۸۹ به پایان تاریخ خود رسید، همانگونه که بسیاری از چهره های نظام پیش بینی کرده بودند دشمن وارد فاز جدیدی از طراحی های خود در زمینه فتنه و اخلاخ در جمهوری اسلامی ایران شده است." و خلاصه اینکه ادامه مطلب تماماً خشم و هراس از اینست که چگونه اخبار اعتراضات کارگری و جنبش نپرداختن قبض ها، به رسانه های جهانی کشیده شده است و طبعاً کار کار ضد انقلاب و ماهواره و رسانه های فارسی زبان آنهاست. همین مختصر اشاره به ماوقع، به روشنی مشخص میکند که بحث بر سر

از صفحه ۱

چیست. موضوع به روشنی بر سر به میدان آمدن کارگران، معلمان و "یقه آبی" هاست. موضوع بر سر پرواگ سیاسی مبارزات هزاران کارگر پتروشیمی ماهشهر است که بطور واقعی نقطه عطفی در جنبش اعتراضی کارگران بود و راهی جدید در مقابل جنبش انقلابی مردم گنود. موضوع بسادگی بر سر اینست که این مبارزات سرخ قرقه ای بود که باز شد و بدون شک دامنه مبارزات کارگران پتروشیمی ماهشهر، به کارگران نفت، دیگر بخش های وابسته به نفت و پتروشیمی های دیگر و مراکز بزرگ دیگر کارگری، چون ایران خودرو و ذوب آهن کشیده خواهد شد و در واقع زمزمه هایش از هم اکنون شنیده میشود. موضوع بر سر تجمعات اعتراضی هر روزه کارگران از شهرهای مختلف است که به تهران می آیند و در مقابل مجلس اسلامیشان تجمع میکنند و دستمزد هایشان را طلب میکنند. موضوع بر سر اعتراضات جانانه کارگران کیان تایر است که به خیابان می آیند و با پلاکارد گرامی

می دهد. اما علیرغم همه وحشیگریها مردم تسلیم نشده اند و به انقلاب شان ادامه می دهند. با پیروزی انقلاب مردم سوریه جنبش رهایی و آزادیخواهی مردم نه فقط در سوریه، بلکه در کل منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه ضربه محکم دیگری بر دیکتاتورها زده و بر ضرورت ادامه انقلاب مردم این منطقه برای رهایی از شر رژیم های دیکتاتور و سرکوبگر، تاکید بیشتری خواهد گذارد. سرنگونی رژیم اسد در سوریه کل معادلات سیاسی منطقه را به نفع مردم تغییر خواهد داد. انقلاب و کار انقلابی یک بار دیگر به عنوان مطلوب ترین راه حل برای رهایی مردم و آزادی شان، جان تازه ای خواهد گرفت. و مردم سوریه به اهمیت این موضوع پی برده و دست اندر کار ادامه مبارزه برای به زیر کشیدن رژیم سوریه شده اند. بدون شک قدرت انقلاب مردم رژیم را به زیر کشیده و آزادی و رهایی مردم را به دنبال خواهد داشت. با سرنگونی حکومت سوریه دوره جدید دیگری در روند انقلاب های منطقه آغاز خواهد شد. این را باید به فال نیک گرفت و با تمان توان و قوا از انقلاب مردم سوریه باید حمایت کرد.*

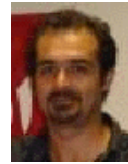
از صفحه ۱

مبارزه و اتحاد طبقه کارگر در سراسر جهان است. رقفا، در هر کجای جهان هستید یک صف شوید! حربه های کثیف بورژواها برای ایجاد تفرقه در صفوف ما برپایه ملیت، مذهب، رنگ، جنسیت، شغل، "منافع ملی" و غیره و غیره را کاملاً خنثی کنیم. ما همسرنوشتیم و به کمک یکدیگر نیاز داریم. ما روی حمایت شما برای پیروزی بر جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری در ایران حساب میکنیم. اما پیروزی ما قطعاً پیروزی شما نیز هست. گامها را استوارتر و بازوها را در هم فشرده تر کنید. برای رهایی بشر و کره زمین از یوغ استثمار و دیکتاتوری سرمایه متحد شوید. جهان بیش از هر وقت به تحقق این فراخوان "مانیفست کمونیست" نیازمند است: "پرولتراهی همه کشورها متحد شوید!" حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ آوریل ۲۰۱۱

زنده باد سوسیالیسم!

پیروزی انقلاب به سبک جبهه مشارکت!

هادی وقفی



"جبهه مشارکت ایران اسلامی" به بهانه دستگیری و به زندان انداختن "علیرضا رجایی"، یکی از پسرعموهای روزنامه نگارش که زمانی بنمایندگی از اصلاح طلبان نامزد انتخابات مجلس رژیم بود، بیانیه ای صادر کرده و در آن با نزدیک دانستن پیروزی "جنبش سبز"، خواستار تلاش برای جلوگیری از عادی و کم هزینه شدن بازداشت خانگی میرحسین موسوی، مهدی کروی و همسران آنها شده است. جبهه مشارکت که مدتی پیش در بحبوحه مبارزات مردم در خیابانها طی بیانیه ای اعلام کرده بود این جبهه بدنال سرنگونی نظام نیست، هم اکنون در این بیانیه روز پیروزی جنبش سبز را نزدیک دانسته است و معلوم نیست پیروزی جنبش سبز که در عین حال روشن است که سرنگونی نظام نیست به چه معناست. تناقضات و ابهامات این بیانیه، همچون تمام بیانیه ها و اقدامات و عملکردهای تمام جریانهای که داعیه اصلاح این نظام را دارند، از اینجا شروع می شوند.

در بخشی از بیانیه جبهه اصلاح و تداوم جمهوری اسلامی آمده است "تداوم اینگونه بازداشت ها نشان می دهد که اقتدارگرایان حاکم متقلب، درمانده در برابر پویایی جنبش سبز دموکراسی خواهی و تحول طلبی ایرانیان، آخرین نفس های خود را می کشند و دیر نیست که باید پاسخگوی این همه ظلم و ستمی باشند که در حق برجسته ترین افراد این ملت روا می دارند!" و حتما اگر زندانیان "برجسته ترین نباشند، اگر سر در آخور بند و بست و سازش و معامله با جمهوری اسلامی برای حفظ تمام این بساط مفتخوری و دزدی و جنایت نداشته باشند، اگر به هر دلیلی با افکار و اندیشه های عقب مانده و مذهبی اینها مخالف باشند، جایز است خونشان ریخته شود! و فی الواقع این ها که یک جناح خود حکومت هستند و اغلب از دست اندرکاران دیروز حکومت بوده اند هیچگاه مساله ای با وجود هزاران زندانی سیاسی نداشته اند. مشکلی با کشتارها و اعدامهای گسترده کمونیستها و مخالفین حکومت نداشته اند. بیانیه این جبهه در عین

و در نهایت یک زندگی انسانی و عاری از فقر و فلاکت و جنگ و خونریزی را برای مردم به ارمغان آوردند. و امثال این نیروها از جنبه جبهه مشارکت ایران اسلامی و طیفهای رنگارنگ اسلامی و حافظ نظام هستند که در تمام این کشورها مانع هستند و امر ادامه انقلاب در کشورهای منطقه به عقب راندن امثال اینها گره خورده است که مردم و جوانان مشغول آن هستند. با پیش رفتن انقلاب "البرادعی" وار به خیابان می آیند، خود را در کنار مردم معرفی می کنند و سعی می کنند نه بر علیه کلیت نظم موجود بلکه بر علیه افراد و حاکمان در قدرت شعار دهند و مدام کلمات "دموکراسی خواهی" و "تغییرطلبی" را تکرار کنند. این همان چیزی است که جبهه مشارکت با پیش رفتن انقلاب در پی آن است. اما...

باید گفت خیزش انقلابی مردم و جوانان ایران که در سال ۸۸ جرقه زده شد، سرمشق و الگوی مردم کشورهای منطقه در بزیر کشیدن دیکتاتوری های حاکم بود. این انقلاب هم اکنون بطور واقعی تجربه های بسیار آموخته و خواسته ها و اهدافش در سرنگونی دیکتاتوری روشن تر شده است و پیروزی انقلاب از نظر مردم و تمام انسانهای شریف و زحمتکش ایران، یعنی نه فقط آزادی همه زندانیان سیاسی و پایان دادن به وجود زندانهای سیاسی، بلکه همچنین پایین کشیدن تمامیت ساز و کار جمهوری اسلامی و کنار گذاشتن و محاکمه کردن تمام مقامات و مناصب به جرم دزدی ها و سرکوب ها و اعدام های سی و دو سال گذشته شان. و نه تنها این، بلکه پیروزی انقلاب از نظر مردم یعنی قطع دست مذهب از دخالت در سیاست، آموزش و پرورش و قوانین و برچیدن بساط زندان و اعدام و آدمکشی مذهبی. یعنی برقراری آزادی بی قید و شرط و تأمین رفاه و شادی برای مردم. امثال جبهه مشارکت با این خواستهای مردم سرنگونی طلب است که اساسا مشکل دارند تا با دیکتاتوری و سرکوب و ولی فقیه. و فی الواقع کار کلیت این بساط مفتخوری و اعدام و سنگسار و تحمیل قوانین ضدانسانی مذهبی به زندگی مردم مدتهاست از این نوع بیانیه ها گذشته است!*

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N
شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

شیوا محبوبی ۶۰ پوند سهیلا شریفی ۳۰۰ پوند
سعید پرتو ۶۰ پوند

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
آدرس پستی:

L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

انترناسیونال

را بخوانید و وسیعا تکثیر و پخش کنید

اطلاعیه شماره ۹۳:

علیه محاکمه کارگران سندیکای واحد بپاخیزید!

اول مه فرامیرسد، جمهوری اسلامی بساط دادگاههایش را برای کارگران سندیکای واحد دو باره بپا کرده است. از جمله غلامرضا غلامحسینی در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۰ در دادسرای شهریار، دادگاه غلامرضا غلامحسینی مرتضی کمساری و علی نظری در روز ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۰ در دادسرای کارکنان دولت برگزار می شود. همچنین دادگاه رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکا که از تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۸۹

جمهوری اسلامی را یسدت به هراس انداخته است. خصوصا اول مه فرامیرسد و کارگران به استقبال این روز میروند و جمهوری اسلامی به عبث تلاش میکند که قبل از اول مه تاریخ دادگاهها را اعلام کند تا از اول مه جلوگیری کند. در چنین شرایطی است که اعضای سندیکای شرکت واحد به دادگاه احضار میشوند. اما جمهوری اسلامی کور خوانده است. کارگران نه تنها برای مقابله با گرانی و فقر و مقابله با دهن کجی رژیم مبنی بر افزایش ۹ درصد تصمیم دارند اول مه با قدرت تمام به میدان بیایند، بلکه همچنین در اول مه خواست آزادی تمام

کارگران زندانی و برچسب زدن بیدادگاهها را فریاد خواهند زد. همچنین هفده هزار کارگر شرکت واحد نقش مهمی در سد کردن این تهاجم و آزادی فوری کارگران و زندانیان سیاسی از زندانی دارند، باید با تمام قوا به میدان آمد.

اکنون منصور اسانلو، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی، رضا شهابی از سندیکای شرکت واحد، رضا رخشان از سندیکای نیشکر هفت تپه، بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری و فعال دفاع از حقوق کودک در زندانند. همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده

های تشکیل شده برای فعالین کارگری و همه فعالین سیاسی باید لغو شود و بساط دادگاههای جمهوری اسلامی باید جمع شود. هر گونه تعقیب و تهدید فعالین و رهبران کارگری باید فوراً متوقف شود. به هر شکل که میتوانید به کمپین برای آزادی کارگران زندانی یاری رسانید و جلو احکام جنایتکارانه جمهوری اسلامی علیه کارگران را بگیرید.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۴ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۲۴ آوریل ۲۰۱۱

نامه کمیته همبستگی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران به سازمانهای کارگری در سراسر جهان

تعیین کننده است.

کمیته همبستگی کارگری از تمامی سازمانهای کارگری در سراسر جهان انتظار دارد که با تمام قوا از کارگران پتروشیمی ها و خواست آنها پشتیبانی کنند و در عین حال جمهوری اسلامی را بخاطر سرکوب سیستماتیک کارگران محکوم کنند.

خوشحال میشویم که از طریق شماره تلفن ها و آدرسهای زیر ما را از اقدامات خود مطلع کنید.

کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران هماهنگ کننده: شهلا دانشفر روابط عمومی: بهرام سروش

تأثیری که این اعتصاب موفق روی کل طبقه کارگر و تحرک آنها و بلند کردن پرچم قراردادهای مستقیم و جمعی با کارفرماها و دولت میگنارد، دولت قطعاً تلاش میکند در این فرصت سه ماهه ای که برای اجرای تعهدات خود گرفته است، اثرات این اعتصاب را خنثی کند، در صورت امکان فعالین کارگری را تهدید و دستگیر کند و یا زیر توافق بزند. به همین دلیل حمایت وسیع بین المللی از این مبارزات امروز بسیار حیاتی و مهم است. برای هر دو طرف، یعنی کارفرماها و دولت از یکطرف و کارگران پتروشیمی و کل طبقه کارگر از طرف دیگر، این سه ماه

گیرد. خواست کارگران پتروشیمی ها، خواست کل طبقه کارگر، معلمان و پرستاران و بسیاری از کارمندان است. بیش از هشتاد درصد کارگران با قراردادهای موقت و اکثراً از طریق پیمانکاران به کار گرفته میشوند. این اعتصاب امید و تحرک تازه ای در میان کل طبقه کارگر دامن میزند. تحرک از همین الان شروع شده و در روزهای گذشته ما شاهد اعتصاب چندین مرکز کارگری با خواست قرارداد مستقیم با کارفرماها بوده ایم. اکنون کارگران پتروشیمی ماهشهر در موقعیت حساسی قرار دارند. بدلیل

به سازمانهای کارگری در سراسر جهان
۲۴ آوریل ۲۰۱۱

شاید اطلاع داشته باشید که در روزهای اخیر اعتصاب بزرگ و قدرتمندی در ایران صورت گرفت. ده هزار کارگر ۹ کارخانه پتروشیمی از صنایع وابسته به نفت و یک مرکز کلیدی و حساس کارگری در ماهشهر در ایران از ۹ تا ۲۰ آوریل ۲۰۱۱ دست به اعتصابی زدن و خواهان کوتاه شدن دست پیمانکاران و بستن قراردادهای مستقیم و جمعی با کارفرماها و دولت، افزایش دستمزدها و پرداخت بموقع آن شدند. کارگران

اطلاعیه شماره ۹۴:

آزادی غلامرضا غلامحسینی را تبریک میگوییم

ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری نیز در بازداشت بسر میبرد.

همچنین مطلع شدیم که بدنبال اعتراضات فراوانی که صورت گرفته است، حکم بیست سال زندان بهنام ابراهیم زاده، عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری و مدافع حقوق کودکان، در دیوانعالی کشور جمهوری اسلامی نقض و برای بررسی مجدد به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه ارسال شده است. علیرغم این تصمیم جانپان اسلامی او را آزاد نکرده و بنا بر گزارشهای منتشر شده، قرار بود که دوشنبه ۲۹ فروردین دوباره او را در شعبه مذکور مورد محاکمه قرار دهند که این دادگاه به وقت دیگری موکول شد. طبق حکم دادگاه قبلی، جانپان اسلامی بهنام ابراهیم زاده را به ۲۰ سال زندان و ۱۰ سال محرومیت از فعالیت اجتماعی

بنا به خبر منتشر شده از سوی سندیکای کارگران شرکت واحد و اتوبوسرانی غلامرضا غلامحسینی عضو این سندیکا که از تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۸۹ دستگیر و در بازداشت به سر می برد، سرانجام در ساعت ۲۲،۳۰ دقیقه روز ۷ اردیبهشت با قرار وثیقه ۳۰ میلیون تومانی و کفالت ده میلیونی از زندان رجایی شهر آزاد شد. آزادی غلامرضا غلامحسینی را به خانواده او، به کارگران سندیکای شرکت واحد و به همه کارگران و انسانهای آزادیخواه تبریک میگوییم.

علاوه بر غلامرضا غلامحسینی که اکنون خبر خوشحال کننده آزادی او را به اطلاعات میرسانیم، سه نفر دیگر از کارگران سندیکای شرکت واحد، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی همچنان در زندانند. همچنین رضا رخشان رئیس هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه و بهنام

کارگری باید متوقف شود. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۸ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۲۸ آپریل ۲۰۱۱



کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com

00447779898968

bahram.soroush@gmail.com

شهلا دانشفر

بهرام سروش

با تمام قدرت اعتراض خود را علیه برپا شدن بساط دادگاههای جمهوری اسلامی و محاکمه فعالین کارگری اعلام کنیم. همه کارگران زندانی و

۲۸ آوریل (۸ اردیبهشت) روز جهانی همدردی با کارگران آسیب دیده در محیط کار را گرامی می‌داریم

کارگران در این روز در سراسر دنیا به یاد همکاران قربانی خود، کارزار همبستگی و گرامی‌داشت و همدردی با خانواده‌های کارگران قربانی را به راه خواهند انداخت و برنامه‌های آموزشی و اعتراضی گوناگونی را علیه سیاست‌ها و قوانینی که باعث قربانی شدن میلیون‌ها کارگر در سال می‌شود سازمان خواهند داد

کارگران ایران در شرایطی این روز را گرامی می‌دارند که وضعیت ایمنی در محیط‌های کار در بدترین شرایط در طی چند دهه گذشته قرار دارد. راننده‌ای که در پشت فرمان اتوبوس در هوای بسیار آلوده کار می‌کند، کارگران معادن، پالایشگاه، پتروشیمی، ماشین‌سازی، معلمی که تدریس می‌کند تا کارگر کشاورزی

و همه و همه از این قاعده مستثنی نیستند و زنان و کودکان کارگر جدا از این که به دلیل انجام کارهای سخت و زیان‌آور قربانی حوادث شغلی می‌شوند، همچنین قربانی آزار و اذیت جنسی برخی کارفرمایان و همکاران مرد خود نیز می‌گردند ما همراه و همگام با کارگران جهان ۲۸ آوریل روز جهانی همدردی

با کارگران آسیب دیده و روز اعتراض به نبود ایمنی در محیط کار را گرامی می‌داریم و با اعتراض به شرایط وخیم نبود ایمنی در محیط‌های کار ضمن اعلام همدردی با عموم کارگران آسیب دیده و خانواده هایشان در ایران و سراسر جهان، خواهان بکارگیری بالاترین استانداردهای ایمنی در محیط کار

هستیم و سیستم موجود را مسئول بلاواسطه قربانیان حوادث ناشی از کار میدانیم
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اتحادیه آزاد کارگران ایران هیئت بازگشائی سندیکای فلز کار و مکانیک
۸ اردیبهشت ۱۳۹۰

کدام خواستها و کدام استانداردها؟

بخش عظیمی از همه اتفاقاتی که در محیط‌های کار شاهدش هستیم و منجر به مرگ و صدمه زدن به سلامتی کارگر می‌شود، قابل اجتناب اند. يك محور مهم مبارزه کارگر در نظام سرمایه داری حول ایمنی محیط کار است. کارگر حق دارد برای ایمن تر کردن شرایط کارش تا جایی که علم و تکنولوژی اجازه می‌دهد، دست به مبارزه بزند، اعتصاب کند متشکل شود.

بهداشتی حمام و دستشویی و غذاخوری با استاندارد بهداشتی بالا و غذای مناسب.

۲- نظارت و معاینه پزشکی منظم در برابر مخاطرات و بیماری‌های حرفه‌ای و ناشی از کار توسط مراجع پزشکی مستقل از کارفرما، به هزینه کارفرمایان و دولت.

۳- نظارت بر ایمنی محیط کار باید تماما زیر نظارت کارگران و تشکل‌ها و نمایندگان آنها باشد. این حق کارگران است که هیئت‌ای از میان خود انتخاب کنند تا تمامی موارد ناامن و غیر بهداشتی را بررسی کنند و به کارگران گزارش بدهند.

۴- اعتصاب و برگزاری مجمع عمومی، حق بی چون و چرای کارگران است و کارگران به مجرد احساس ناامنی باید بتوانند دست از کار بکشند، تا ناامنی برطرف شود.

۵- بکارگیری مواد سمی و خطرناکی که جان کارگر را به خطر می‌اندازد و در کشورهای پیشرفته جهانی استفاده از آنها در تولید ممنوع اعلام شده است فوراً متوقف گردد.

مطالبات زیر باید به پرچم مبارزه کارگران برای بهبود شرایط کار و ارتقاء ایمنی و بهداشت محیط کار به منظور جلوگیری از بروز حوادث محیط کار، و نیز جبران خسارت‌های ناشی از ناامنی تبدیل شود:

۱- تضمین ایمنی و بهداشت محیط کار و تقلیل مخاطرات کار به حداقل ممکن، بدون هیچ صرفه جویی، با استفاده از پیشرفته‌ترین تسهیلات و امکانات مورد استفاده در سطح جهان از جمله برخورداری محیط‌های کار از دستگاه‌های تهویه کافی، مراکز درمانی کشیک مجهز به آمبولانس و پرسنک، امکانات

۶- کارفرمایانی که بخاطر سودجویی در مواردی که سلامتی کارگر تهدید می‌شود، اقدام نکنند، مجرمند و باید مورد پیگرد قرار گیرند.

کارگرانی که بخاطر عدم ایمنی کار دچار بیماری و یا از کار افتادگی شده اند، باید تامین داشته باشند و از جمله از حقوق زیر برخوردار باشند:

۱- بیمه کامل کارگران در مقابل صدمات و خسارات ناشی از کار، اعم از اینکه در محیط کار و یا خارج آن رخ دهد و بدون اینکه کارگر نیازی به اثبات قصور کارفرما و یا مدیریت داشته باشد.

کارگران آسیب دیده در محیط کار باید با استاندارد بالای پزشکی تحت پوشش درمان رایگان قرار گیرند و در دوره درمان از حقوق کامل برخوردار باشند.

۲- کارگرانی که در محیط کار دچار بیماری شده‌اند باید از تسهیلاتی چون تغییر نوع کار و کاهش ساعت کار با پرداخت حقوق کامل برخوردار باشند و اخراج آنها اکیدا ممنوع باشد. این کارگران باید مادام که بیمارند زیر پوشش این کمک‌ها و تسهیلات قرار داشته باشند.

۳- پرداخت حقوق کامل بازنشستگی به کارگرانی که در نتیجه صدمات ناشی از کار توانایی کار کردن را از دست می‌دهند. همینطور پرداخت کامل حقوق بازنشستگی به خانواده کارگرانی که عضو خانواده خود را در محیط کار از دست می‌دهند.

این خواست عطف به ماسبق می‌شود یعنی شامل همه کارگران و خانواده‌های کارگرانی که در طول حاکمیت جمهوری اسلامی توانایی کار کردن و یا جان خود را از دست داده‌اند نیز می‌شود.

یک بخش از سوانح محیط کار منجر به مرگ کارگر می‌شود در این مورد باید بر حق و حقوق زیر تاکید کنیم:

۱- خانواده کارگرانی که به خاطر ناامنی محیط کار جان باخته‌اند، و نان‌آور خود را از دست داده‌اند، باید تحت پوشش همیشگی تامین اجتماعی قرار گیرند و از یک زندگی انسانی برخوردار باشند. باید به این خانواده‌ها مستمری ماهانه مکفی پرداخت شود.

۲- در صورت وقوع هر حادثه‌ای در محیط کار، تعداد قربانیان و مصدومین با مشخصات و عکس

فورا باید رسماً و علناً اعلام شود.
۳- عاملین کشتار در کارخانجات کارفرمایان و دولت حامی آنها هستند و باید مورد پیگرد قرار گیرند.

۴- برگزاری مراسم یاد کارگران جانباخته بخاطر ناامنی محیط کار توسط کارگران به هزینه کارفرما مبارزه برای ایمنی محیط کار، یعنی مبارزه برای زنده ماندن و سلامت جانی کارگر، یک روز هم نباید در آن تعلل کرد. خصوصاً این موضوع در ایران باید به مساله فوری و همین امروز کارگران تبدیل شود.

مساله تامین ایمنی محیط کار بسادگی به سود سرمایه داران گره می‌خورد. سرمایه دار بخاطر سودجویی اش، آشکارا جنایت می‌کند و محیط‌های کار هر روز بیشتر از کارگران قربانی می‌گیرد و دولت نیز بنا به تعریف حافظ منافع اوست. ابعاد گسترده جنایت در محیط‌های کار بیش از هر چیز اوج توحش سرمایه داری را در مقابل ما قرار می‌دهد. باید به این توحش پایان داد.*

برگرفته از کارگر کمونیست شماره ۱۴۰

محیط‌های کار هر روز از کارگران قربانی می‌گیرند

در سال گذشته ۱۰۰ کارگر به دلیل ناامنی محیط کار در اصفهان جان خود را از دست دادند

خبرگزاری دولتی فارس روز ۱ اردیبهشت به نقل از یکی از مقامات دولتی نوشت: "در سال گذشته از ۱۵۰۰ حادثه‌ای که در بخش کارگری استان اصفهان به وقوع پیوست، ۱۰۰ مورد آن منجر به فوت کارگران شد."

خودسوزی یکی از کارکنان شهرداری بوشهر

بنابه خبری که روز ۳۰ فروردین ماه منتشر شده است، یکی از کارکنان خدماتی شهرداری بوشهر با سوزاندن خود به زندگی‌اش پایان داد. در این خبر آمده است که چندی پیش این کارگر که به عنوان یکی از کارکنان خدماتی شهرداری مشغول به کار بوده و بنابر دلایلی به سازمان

پارک‌ها و فضای سبز شهرداری منتقل شد از طریق خودسوزی به زندگی خود پایان داد.

کشته و زخمی شدن دو کارگر در گود برداری

بنابه خبری که روز ۲ اردیبهشت ماه منتشر شده است، دو کارگر به علت گود برداری تهران، زیر آوار مانده و کشته و زخمی شدند. این خبر می‌افزاید که آتش‌نشانان در

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن‌ها یا ایمیل‌ها تماس بگیرید

فرانسه و کانادا یا
بانک بروی (کانادا-آمریکا) : تلفن : ۰۰۱-۶۱۶ ۷۸۳ ۷۷۶
ایمیل : babakyazdi@yahoo.com
زوری (آلمان) (غرب کانادا - ونکوور) : تلفن : ۰۰۱-۶۰۷ ۲۷۲ ۸۸۶
ایمیل : zariast@yahoo.ca
فرانسه یا
انتشارات نسیم : تلفن : ۰۰۳۳ ۳۹ ۳۹ ۱۷۰
ایمیل : nasim_info@yahoo.se
خلیل جلیلی (انگلستان) : تلفن : ۰۰۴۴-۰۷۹۵۰۹۲۲۲۲
ایمیل : jallili@yahoo.com
مهن کوئا (آلمان) : تلفن : ۰۰۴۹-۰۱۷۳ ۲۵ ۷۰۵۲۹
ایمیل : mahinkushal@t-online.de

کارل مارکس

سرمایه

(کا پیتال)

ترجمه جمشید هادیان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

قدرت اعتصاب کارگران...

از صفحه ۱

به مناسبت "هفته کار و کارگر" جمهوری اسلامی میگوید: "عدم امنیت شغلی و پرداخت حقوق از جمله دغدغه های هول انگیز همیشگی کارگران" است. این همان هاشمی رفسنجانی است که دولت خود را "دولت سازندگی" خواند و برای اینکه ملقب به "امیر کبیر دوران" شود اولین کاری که کرد ترتیبی داد که کارگران در سطح وسیعی تحت عنوان "تعبیل سازی نیروی انسانی" از کار بیکار شوند. ایشان بعد حمله دیگری را ترتیب دادند و کارگران را به پیمانی و قراردادی و روز مزد تبدیل کردند و استخدام رسمی به افسانه ها پیوست. از همین جا یورش وسیعی به معیشت کارگران شروع شد که اوج خشونت نظام سرمایه داری را به نمایش میگذارد که یک جنبه بارز و جنایتکارانه آن نپرداختن دستمزدها بود. بیجهت نیست کارگران شدت از شخص هاشمی رفسنجانی متنفر

هستند. حالا اما همان کسی که در راس دولتی بود که همه این موارد را سازمان داده بود اشک تسامح میریزد و عدم امنیت شغلی و عدم پرداخت حقوق را هول انگیز میداند! امسال با نزدیک شدن اول ماه مه نیروهای دیگر بورژوازی که تحت عنوان "شورای هماهنگی راه سبز امید" ابراز وجود میکنند نیز از حقوق صنفی کارگران (و نه حقوق سیاسی) میگویند و اینکه این حق پایمال شده است. این هم نمونه دیگری از فریبکاری است. سوال اما اینست که چه اتفاقی افتاده است که اینها یادشان آمده است که کارگر هم هست و باید یادی از او شود؟

کارگران با اعتصابات مداوم خود هر چند پراکنده قدرت اجتماعی خود را به نمایش گذاشته اند. آخرین مورد آن که در سطح وسیعی شکل گرفت و قدرتمندانه پیش رفت و تا اینجا پیروز میدان بوده است اعتصاب کارگران پتروشیمی ها بود.

اعتصاب سلاح موثر طبقه کارگر است و در کشوری مثل ایران به قولی "اعتصاب مدرسه انقلاب" است. چرا که اعتصاب کارگران مستقیماً یک اقدام سیاسی است که دولت حاکم را به چالش میکشد. اعتصاب یک اقدام غیر قانونی از نظر قانون جمهوری اسلامی است و از نظر دولت مذهبی حاکم در ایران اعتصاب عملی حرام است و فعل حرام انجام دادن یعنی دشمنی با خدا و رسول خدا. این را همان فردای ۲۲ بهمن ۵۷ حاکمان اسلامی سرمایه به زبان آوردند برای اینکه آمده بودند که بساط اعتصاب و اعتراض را برچینند. اما اعتصابات ادامه یافت. هر چند با سرکوب خونین دهه ۶۰ سالیانی از اعتصابات در مراکز مشهور کارگری خبری نبود اما در همان زمان ما شاهد اعتصابات کوره پزخانه ها در مناطق غرب کشور، اعتراض کارگران به قانون کار اسلامی، اول ماه مه سرخ سنندج و بسیاری موارد دیگر بودیم. اکنون اما عملاً کارگران اعتصاب را به یک قانون نانوشته تبدیل کرده اند که هر

چند هنوز پراکنده اما پر قدرت است و ترس نمایندگان سرمایه از بهیم پیوستن این اعتصابات است. این ترس را رفسنجانی و "شورای هماهنگی راه سبز امید" با حمایت دروغین از کارگران نشان میدهند. دروغین و فریبکارانه است چون بلافاصله نمی توانند از قانون هدفمند کردن زندگی کارگران حمایت نکنند اما ترس شان را هم نمی توانند پنهان کند که این قانون میتواند شیرازه نظامشان را از هم بپاشاند.

اما برخی از نمایندگان سرمایه ترس خود را به شکل مضحکتری به نمایش میگذارند که شاید گویا ترین شکل این بیان را معاون وزیر کار به نمایش گذاشته است. ایشان میگوید "کلمه اعتصاب وارداتی است!" بله انشالله گریه است! ایشان ضمن اینکه بر سرکوبگری دولت متبوع شان تاکید دارند اما واقف است که نمی تواند جلو اعتصابات را بگیرند پس ترجیح میدهد حتی کلمه اعتصاب به زبانش جاری نشود تا شاید یک جوری اعتصاب یا به قول ایشان "ترك كار"

صورت نگیرد. اما اصطلاح "ترك كار" يك اصطلاح حقوقی است و طبق قانون کذبى كار جمهوری اسلامی برای کارگر عواقب دارد! اما کارگران با اعتصاب کردن مداوم نشان دادند که قانون، قانونی است که در خیابان دیکته میشود هر چند به مذاق آقایان خوش نیاید و "وارداتی" باشد. اعتصاب حق قانونی کارگران، ابزار به نمایش گذاشتن قدرت طبقاتی کارگران است این را دیگر هیچکس نمی تواند از آنها بگیرد. با منکر شدن کلمه اعتصاب چیزی برای نمایندگان سرمایه عوض نخواهد شد آنچه واقعی است اعتصاب است که لرزه بر اندام این حکومت می اندازد آنگونه که اعتصاب کارگران صنعت نفت کمر رژیم سلطنتی را شکست و اعتصابات کنونی نیز میتوانند کمر حکومت اسلامی سرمایه را بشکنند. این قدرت اعتصاب کارگران است که یکی را به مجیز گویی طبقه و دیگری را به هذیان گویی کشانده است. *

عکس هایی از تظاهرات بر علیه احکام اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی (۲۲ آپریل) در مالمو، اسلو، برلین، استکهلم، لندن، گوتنبرگ





کرده اند قد علم کنیم. در کارخانه ها، در مدارس، محلات و هر جا که میتوانیم باید خود را متشکل کنیم، خواست هایمان را با صدای بلند فریاد بزنیم و یکپارچه برای احقاق حقوق مان دست به اعتصاب و اعتراض و تعرض بزنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۲۸ آوریل ۲۰۱۱

اجتماعی مان را باید هرچه قدرتمندتر به اهتزاز درآوریم و بیحقوقی و برده داری مطلق که به ما حاکم کرده اند را در هم پیچیم.

کارگران نفت و پتروشیمی ها، کارگران ذوب آهن و ماشین سازی ها، کارگران سراسر کشور، معلمان، پرستاران، جوانان:

جمهوری اسلامی در موقعیتی است که مجبور است در مقابل اعتصابات بزرگ و قدرتمند شما عقب بنشیند. در فضای مساعد بعد از پیروزی اعتصابات قدرتمند و متحدانه کارگران ماهشهر، متحد و یکپارچه، خود را برای مبارزه جانانه با جمهوری اسلامی و علیه قوانین و شرایط ظالمانه و بیرحمانه ای که بر شما حاکم کرده اند، آماده کنید. خود را برای اعتصابات بزرگ آماده سازید. باید علیه همه مشقاتی که به ما تحمیل

موفقیت کارگران پتروشیمی ها در شرایط خاصی صورت میگیرد. در شرایطی که کارد به استخوان مردم رسیده است و راهی جز تعرض برای تغییر این زندگی فلاکت بار نمانده است. در شرایطی که بحران همه جانبه ای صفوف جمهوری اسلامی را فراگرفته و حکومت در شکننده ترین موقعیت سیاسی خود قرار گرفته است. این اوضاع امکان پیشروی های بزرگی به ما میدهد. وقت دست زدن به اعتصابات گسترده منطقه ای و سراسری است. شرایط برای دست زدن به این مبارزات از هر نظر مساعد است. باید با تمام قوا بپاخواست و سه دهه تعرض دولت و کارفرمایان را در هم شکست. پرچم افزایش چندی برابر دستمزدها، برچیدن بساط پیمانکاران و لغو کار موقت و سفید امضا، بیمه بیکاری و حقوق و آزادی های سیاسی و

فراخوان به طبقه کارگر وقت اعتصابات بزرگ و سراسری فرارسیده است

رفقای کارگر!

اعتصاب موفق کارگران پتروشیمی های ماهشهر و تبریز علیه قراردادهای پیمانی، نشان داد که فضای مناسبی برای تعرض به بی حقوقی و شرایط برده واری که به ما تحمیل کرده اند فرارسیده است. بعد از مدتهای طولانی، کارگران در تبریز و ماهشهر بدنای یک اعتصاب متحد و با پافشاری بر خواست خود به یک موفقیت نسبی رسیدند و این برای طبقه کارگر و همه مردم آزادیخواه بسیار حائز اهمیت است.

در طول سه دهه گذشته، جمهوری اسلامی کارگران، پرستاران و معلمان را به بردگی کامل کشانده است. استخدام های رسمی را به کار موقت و

استرالیا: سیدنی

زمان: یکشنبه اول مه

ساعت ۱۲ ظهر

مکان: پارک هایدر سیتی

ارسلان ناظری

نوروز: اسلو

تجمع و میتینگ در یونگستورگت و سپس راهپیمایی در خیابانهای مرکزی شهر.

غرفه اطلاعاتی و نمایشگاه عکس حزب کمونیست کارگری از ساعت ۱۰ صبح در یونگستورگت.

ما همه مخالفین جمهوری اسلامی را فرا میخوانیم که همراه با ما در تجمع و راهپیمایی روز جهانی کارگر شرکت کرده تا هر چه بیشتر حکومت اسلامی ضد کارگر و ضد انسانی را در انتظار مردم افشا و رسوا کنیم.

Saber Rahimi

0047-98 69 40 01

آلمان: فرانکفورت

- برپایی چادر و میز کتاب در محل اصلی مراسم اول ماه مه در میدان رومر همراه با تابلویی از وضعیت کارگران در ایران. از جمله اطلاعات و عکس هایی از محرومیت کارگران ایران از حق تشکل، مساله پرداخت نکرده دستمزدها و مبارزات کارگران، سطح پایین دستمزدها در ایران و دستگیری ها و عکس هایی از کارگران زندانی

۲- شرکت در تظاهرات مرکزی اول

سوئد، گوتنبرگ:

شرکت در مارش بزرگ اول مه و به همراه آن چادر اطلاعاتی، نمایشگاه عکس، اطلاعاتی های مربوط به مبارزات کارگران در میدان Jarntorget، از ساعت ۱۰ صبح تا ساعت ۱۴

سوئد: استکهلم

ساعت ۱۲ همراه با احزاب چپ و کمونیست در میدان medborgarplatsen

ساعت ۱۳ راهپیمایی به طرف میدان kungsträdgården و در میدان kungsträdgården میز کتاب حزب و پخش اطلاعاتی

سوئد: مالمو

ما در مالمو با در دست داشتن باندرولهایی در حمایت از کارگران ایران در تجمع و راهپیمایی این روز شرکت می کنیم. و با گذاشتن میز اطلاعاتی در مورد مطالبات کارگران ایران و کارگران زندانی تلاش در جلب حمایت و همبستگی بیشتر با جنبش کارگری در ایران خواهیم داشت.

تجمع روز اول ماه مه ساعت ۱۱ صبح در میدان Möllevångstorg

سپس راهپیمایی به طرف پارک مقابل کتابخانه مرکزی Slottsparken

در برنامه های اول مه شرکت کنید:

کانادا: ونکوور

زمان: یکشنبه اول ماه مه (یازده اردیبهشت) ۲۰۱۱ ساعت یک بعد از ظهر

راهپیمایی: پارک "کلارک"، خیابان کمرشیل و سیزدهم (شروع راس ساعت یک و نیم بعد از ظهر) اجتماع: پارک "مکسیدن"، تقاطع خیابان ویکتوریا و پنجم (ساعت دو نیم بعد از ظهر)

یونان:

محل تجمع و شروع مراسم: آتن - مقابل دانشگاه پلی تکنیک آتن واقع در خیابان پاتیسسیون ساعت ۱۰ صبح روز ۱ مه، ناصر آقباشلو

فنلاند: تامپره

یکشنبه اول مه

زمان: ساعت ۱۱ صبح

مکان: Sorin aukio:

تلفن تماس

0405758250

یلدی کوهی از فرانسه
لیست تظاهرات های اول مه در کشورهای دیگر متعاقبا اعلام خواهد شد.

کانادا: تورنتو

برای گرامیداشت اول مه، تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد شرق کانادا، همراه با هزاران نفر از مردم تورنتو و سازمانهای مدافع حقوق انسان و بویژه سازمان "هیچکس غیر قانونی نیست" اعتراض خود را به خیابانهای تورنتو می کشانیم. زمان: یکشنبه اول مه، ساعت ۱۲ ظهر به بعد، مکان:

Parkdale
North of Queen St.
W, on Sorauren Ave.

تلفن تماس: ۴۱۶۸۵۸۹۸۳۱

ماه مه با پرچم های حزب و عکس های مارکس در میدان اصلی شهر

آلمان: کلن

تجمع و میتینگ در مارکت مرکز شهر کلن، زمان: یکشنبه اول مه از ساعت ۱۰ صبح
تلفن: 01635522356

آلمان: هامبورگ

برپایی میز اطلاع رسانی در محل برگزاری مراسم اصلی اتحادیه های کارگری د.گ. ب

Museum
der Arbeit, U/S
Barmbek

آلمان: برلین

شرکت در راهپیمایی اول ماه مه در مراسم اصلی د.گ. ب اتحادیه های کارگری شروع ساعت 9:30 از

Wittenbergplatz

بطرف

Brandenburger Tor

فرانسه:

به ایرانیان ساکن لیون و حومه فراخوان به تظاهرات اول ماه مه روز جهانی کارگر

به فراخوان کمپین برای کارگران زندانی و در گرامیداشت اول مه و برای آزادی کارگران زندانی و خواستهای برحق کارگران به صف ما در تظاهرات با س ژت پیونید

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!